

سردی هوا از گرمای جنگ در غرب کشور کاسته است



هرچند مقامهای ارشد ارتش در غرب کشور از افزایش ۴۰ درصدی خشونت نسبت به سالهای گذشته در این حوزه خبر می‌دهند، اما در جریان چند هفته اخیر به دنبال سرد شدن هوا، آتش میدان‌های نبرد سرد شده است. برخی کنش‌گران مدنی در غرب کشور باور دارند که هم‌اکنون در برخی از ولایات این حوزه پس از عملیات نیروهای امنیتی و سردی هوا، تا حدی تحرکات طالبان کم‌تر شده و باید از فرصت پیش‌آمده برای بازپس‌گیری و پاک‌سازی مناطقی که در اختیار طالبان است، استفاده شود. آنان از مقامهای امنیتی خواهان اقدامات قاطعانه در این زمینه هستند و تأکید دارند که برخی از مسیرها به ویژه بزرگراههایی که ولایات غور، بادغیس و فراه را به هرات وصل می‌کند، هنوز ناامن است. به باور کنش‌گران، طالبان در این نقاط حضور گسترده دارند و با کارگذاری ماین، این مسیرها را ناامن می‌سازند.

۳



نخستین نشست کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی امروز برگزار می‌شود

۳

چرا باید «آتش‌بس» آجندای نخست باشد

افزایش نبرد و درگیری‌ها در افغانستان تاکنون نشان‌دهنده شکاف آشکار میان گفتار و کردار طرف‌های جنگ، به‌ویژه طالبان بوده است. در حالی که هر دو طرف، از صلح صحبت می‌کنند؛ اما در میدان جنگ علیه یکدیگر می‌رزمند. جنگی که دست‌کم با توجه به تقاضاهای مکرر آتش‌بس از آدرس حکومت، طالبان را در افکار عامه عامل تداوم آن معرفی کرده است.

۴



یک‌ساله‌گی ترور ناکامورا؛ غنی: راه او باید تعقیب شود

فوکوکای جاپان به دنیا آمد. او در بخش پزشکی دانشگاه کیوشو، چهارمین دانشگاه تاریخی جاپان، تحصیل کرد و در ۳۸ سالگی برای کمک به بیماران جنام وارد پاکستان شد؛ بیماری‌هایی که بیش‌تر آنان را مهاجران افغان تشکیل می‌دادند.



زیادی داشتند و خدمات ارزشمند او در عرصه‌های مدیریت آب و توسعه زراعت ماندگار خواهد ماند. به قول غنی، ناکامورا در سال ۱۹۸۰ و در حدود سه دهه قبل به افغانستان آمد، زمانی که مردم ما به وی نیاز زیاد داشتند تا به آنان خدمات صحتی را فراهم کند، اما به خاطر وقوع خشکسالی این تلاش‌ها را خاتمه داد و شیوه‌های خاص را در زمینه‌های مدیریت آب، زراعت و کندن کانال‌ها ایجاد کرد و زنده‌گی و معیشت میلیون‌ها افغان را در شرق کشور تغییر داد. غنی می‌گوید که دانش او در زمینه جنگل‌داری بی‌نظیر بود و او در این زمینه یک میراث‌گرا را به جا گذاشت که باید مسیر او تعقیب شود. به گفته او، ناکامورا دشت‌های وسیع را به جنگلات انبوه در مدت دو سال تبدیل کرد که دشت گمبیری در شرق افغانستان نمونه عمده آن است. در متن پیام رییس جمهور آمده است: «داکتر ناکامورا یک شخصیت الهام‌بخش و نام‌دار در میان افغان‌ها بود. او در اوج شهرت قرار داشت و مردم افغانستان به وی کاکا مراد نام گذاشته بودند. ملت قدرشناس است و دیدگاه، خاطرات و خدمات کاکا مراد را برای همیشه ارج خواهند گذاشت و خانواده گرمی وی در قلب هر افغان جاودان باقی خواهد ماند.»

تسuo ناکامورا در پانزدهم سپتامبر ۱۹۴۶ در شهر

۸صبح، کابل: از ترور تسuo ناکامورا، رییس موسسه «خدمات پزشکی صلح جاپان» و شهروند «افتخاری» افغانستان، یک سال گذشت. او در سیزدهم قوس در حمله تفنگ‌داران ناشناس در شهر جلال‌آباد، مرکز ولایت ننگرهار، ابتدا زخم برداشت و سپس جان باخت. همراه او پنج نفر از همکارانش نیز کشته شدند. یک همکار دیگر ناکامورا در این حمله زخم برداشت. تاکنون عاملان ترور او شناسایی نشده‌اند. محمدشرف غنی، رییس جمهور، در پیامی به مناسبت یک‌ساله‌گی ترور ناکامورا که مردم افغانستان او را «کاکا مراد» نام نهاده بودند، بر ادامه راه و تعقیب میراث او تأکید کرده است. غنی گفته است که حکومت در راستای تکمیل کردن پروژه‌های ناتمام ناکامورا، از جمله در زمینه‌های احیای جنگلات، توسعه زراعت و مدیریت آب در ولایات لوی پکتیا و کابل تلاش خواهد کرد تا رویاهای او برای یک افغانستان سرسبز و شاداب، تحقق یابد. رییس جمهور ناکامورا را یک «شخصیت گران‌بها» خوانده است که از سوی دشمنان افغانستان که تحمل ترقی کشور را نداشتند، کشته شد. غنی افزوده است که دشمنان، افغانستان را از یک دوست واقعی و سمبول انسانیت و تسامح، محروم کردند. رییس جمهور می‌گوید که افغان‌ها به ناکامورا احترام

عزیزی بانک Azizi Bank

انتخاب عزیزی بانک منحیث بهترین بانک در سکتور بانکی افغانستان



عزیزی بانک افتخار دارد که بر اساس سروی که از سوی نهاد مدرن می‌تود انجام شده، به حیث بهترین بانک برگزیده شد. در نمایشگاه و مراسم که بمنظور معرفی ۲۴ بهترین شرکت و بانک در افغانستان برگزار شده بود، عزیزی بانک را بهترین بانک در سکتور بانکی افغانستان برگزید. هیئت رهبری و کارمندان عزیزی بانک ضمن اظهار خرسندی بخاطر این دست‌آورد، از تمام مشتریان و هموطنان محترم که عزیزی بانک را منحیث بهترین بانک برگزیده، ابراز امتنان می‌نمایند. عزیزی بانک همیشه تلاش می‌ورزد تا به مشتریان و هموطنان عزیز ارایه نماید و اعتماد و رضایت مندی ایشان را حفظ نماید.



آریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

انتقال مریضان با خدمات ویژه
به کشور هندوستان

شنبه دو شنبه پنج شنبه

KABUL - DELHI DEP: 10:00 AM Local Time ARR: 01:00 PM Local Time
DELHI - KABUL DEP: 02:30 PM Local Time ARR: 03:30 PM Local Time

+93 (0) 790 07 1333 | flyariana.com | 1333



#آریانا_از_شماست



روند صلح وارد فاز مهم‌تر شد

روند مذاکرات صلح با توافق دولت و طالبان روی کارشویه مذاکرات، وارد مرحله تازه‌ای شده است. قرار است دو طرف «امروز شنبه» بحث روی آجندای مذاکرات را آغاز کنند. این مرحله نیز یکی از مهم‌ترین مراحل مذاکرات پیچیده‌ی روند صلح در کشور است. هم‌زمان با این، قرار است اولین نشست کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه‌ی ملی نیز در ارگ برگزار شود. این کمیته متشکل از «رهبران سیاسی و شخصیت‌های ملی» است. یک نماینده‌ی با صلاحیت رییس جمهور نیز عضو این کمیته است. طبق توافق‌نامه‌ی سیاسی ۲۸ ثور، هیأت مذاکره‌کننده‌ی صلح، مطابق فیصله‌ها و راهنمایی کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه ملی عمل می‌کند. شروع بحث‌ها برای تعیین آجندای مذاکرات در دوحه و برگزاری اولین نشست کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه‌ی ملی در کابل، دو رویداد مهم در روند جاری صلح است. این دو حادثه - در صورتی که مطابق اعلام قبلی جامه‌ی عمل بپوشد - جان تازه‌ای به مذاکرات صلح خواهد بخشید. اگر چه بایسته بود که این دو اتفاق کمی زودتر رخ می‌داد، با آن هم برای قرار گرفتن مذاکرات در مسیر اصلی آن، زیاد دیر نشده است.

تعیین آجندای مذاکرات یکی از جنجالی‌ترین ماموریت‌های نماینده‌گان دولت و طالبان است. دو طرف در اولین نشست برای تعیین آجندا با ترجیحات و مطلوبیت‌های یکدیگر مواجه خواهند شد. طبیعی است که این ترجیحات و مطلوبیت‌ها برای هر دو طرف یکسان نیست و توافق روی موردی از آن، روزها زمان خواهد برد. آجندای احتمالی طالبان برای بحث در نخستین نشست مستقیم دو طرف برای تعیین آجندای مذاکرات، رهایی زندانیان باقی‌مانده و رفع کلیه‌ی تعزیرات علیه این گروه است. در مقابل، آتش‌بس جامع و فراگیر و یا کاهش قابل ملاحظه‌ی خشونت‌ها از آجندای احتمالی دولت است که برای بحث با طالبان روی میز گذاشته خواهد شد. با توجه به این که توافق‌نامه‌ی آمریکا و طالبان تاکنون جهت‌دهنده‌ی اصلی مسیر مذاکرات بوده است، به نظر می‌رسد که روی آتش‌بس جامع و فراگیر به عنوان اولین آجندای مذاکرات توافق نخواهد شد. این یکی از جنجالی‌ترین موضوعات روند جاری صلح است که توافق روی آن مستلزم تحقق شرایط دیگری است. یکی از این شرایط می‌تواند «حکومت موقت» باشد که بدون توافق روی آن ممکن است طالبان با طرح آتش‌بس مخالفت کنند.

رهایی زندانیان طالبان و رفع تعزیرات بین‌المللی علیه این گروه از موضوعاتی است که طالبان ادامه‌ی مذاکرات را منوط به تحقق آن می‌دانند. دولت هرگاه نتواند به خواست آتش‌بس جامع برسد، در آن صورت، به طرح کاهش قابل ملاحظه‌ی خشونت‌ها رضایت خواهد داد. به این ترتیب، رهایی زندانیان و رفع تعزیرات در مقابل طرح کاهش قابل ملاحظه‌ی خشونت‌ها از مواردی است که توافق روی آن حاصل خواهد شد. دست‌یافتن دو طرف به این توافق و اجرای آن باعث اعتمادسازی بین دولت و طالبان برای برداشتن گام‌های بعدی از جمله برقراری آتش‌بس جامع و فراگیر خواهد شد. اما هیأت مذاکره‌کننده‌ی دولت نباید تنها به کاهش قابل ملاحظه‌ی خشونت‌ها در ازای رهایی زندانیان طالبان و رفع تعزیرات علیه این گروه قناعت کند. طبق آن چه امنیت ملی کشور اعلام کرده است، رابطه‌ی طالبان با القاعده و داعش تا هنوز قطع نشده است و حتا این گروه‌ها بازار مشترک تبادل‌ه‌ی «انتحاری» با هم دارند. با توجه به این مورد، تعهدات طالبان برای کاهش قابل ملاحظه‌ی خشونت‌ها و قطع رابطه‌ی این گروه با القاعده و داعش باید قابل پیمایش باشد و مردم بتوانند مصادیق اقدامات طالبان در این زمینه‌ها را ببینند. در غیر این صورت، رهایی زندانیان طالبان و رفع تعزیرات علیه این گروه کمکی به بهبود وضعیت نخواهد کرد و هدف اعتمادسازی نیز حاصل نخواهد شد.

از جانب دیگر، با شروع به کار کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه‌ی ملی، انتظار می‌رود که مذاکرات صلح در مسیر بهتری قرار گیرد. این شورا مطابق آن چه در توافق‌نامه‌ی سیاسی ۲۸ ثور آمده است، راهنمای هیأت مذاکره‌کننده‌ی دولت است. هم‌چنان هیأت مذکور مکلف است تا مطابق فیصله‌های این شورا رفتار کند.

هیأت مذاکره‌کننده‌ی دولت تا این دم بدون خطوط راهنما حرکت کرده است. از همین رو، مواضع این هیأت تابع مواضع طالبان متحول بوده است. هم‌چنان این مواضع از جنجال‌های سیاسی بین ارگ و سپیدار نیز به شدت متأثر شده است. به همین علت، اعضای هیأت در مواردی با هم دچار اختلاف نظر بوده‌اند. اکنون که کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه‌ی ملی تشکیل جلسه می‌دهد، انتظار می‌رود که هیأت مذاکره‌کننده‌ی دولت از سردرگمی نجات یابد. این هیأت به خطوط راهنمای واضح نیاز دارد که مسوول تعیین آن همین کمیته است. در صورتی که مرجع تصمیم‌گیری برای اقدامات هیأت مذاکره‌کننده یک کتله‌ی بزرگ‌تر از ارگ و سپیدار باشد و تصمیم آن به دور از بازی‌های سیاسی و کشمکش‌های قدرت از نیازها و ترجیحات مردم نماینده‌ی گئی کند، مسیر مذاکرات از سوی هیأت مذکور راحت‌تر طی خواهد شد.

با توجه به آن چه گفته شد، شروع به کار کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه‌ی ملی و آغاز بحث‌ها بین نماینده‌گان دولت و طالبان روی تعیین آجندای مذاکرات، دو اتفاق مهم برای پیش‌رفت بهتر روند صلح است. در صورتی که این اتفاقات نتایج مطلوب به همراه داشته باشد، امیدواری‌ها نسبت به آینده‌ی مذاکرات پیش‌تر خواهد شد.

والی نام‌نهاد داعش برای ولایت ننگرهار توسط نیروهای امنیت ملی کشته شد



۸ صبح، کابل: مقام‌های محلی در ولایت ننگرهار اعلام کرده‌اند که والی نام‌نهاد و سازنده واسکت‌های انتحاری و مابین گروه داعش در نتیجه عملیات نیروهای ویژه امنیت ملی کشته شده است. عطاالله خوگیانی، سخنگوی والی ننگرهار روز جمعه، چهاردهم قوس، گفته است که این عملیات در روستای «للمه» ولسوالی چپرهار اجرا شده است. به گفته خوگیانی، در این عملیات هدایت‌الله، والی نام‌نهاد گروه داعش کشته شده است. او هم‌چنان گفته است که هدایت‌الله، سازنده واسکت‌های انتحاری و مابین‌های گروه داعش نیز بود و در حالی که در برابر نیروهای امنیتی مقاومت می‌کرد، از پای درآمد. خوگیانی می‌گوید که هدایت‌الله در کنار ساخت مابین‌ها و واسکت‌های انتحاری، به دیگران نیز آموزش می‌داد.

واکسن کرونا در افغانستان به کمک بانک جهانی تطبیق می‌شود

۸ صبح، کابل: محمدشرف غنی، رییس جمهور شام روز پنج‌شنبه، سیزدهم قوس با رییس بانک جهانی و بانک توسعه آسیایی برای افغانستان، مسوولان سازمان صحتی جهان و اداره یونسف گفت‌وگو کرده است. طبق اعلام ارگ، رییس جمهور غنی در این نشست از رییس بانک جهانی و بانک توسعه آسیایی خواسته است که در بخش اجرای مرحله اول واکسن کرونا، افغانستان را کمک کند. ارگ ریاست جمهوری می‌گوید که مسوولان متذکره از تعهد مالی جامعه جهانی در زمینه تمویل مرحله اول واکسن کرونا که قرار است از سوی حکومت به کمک بانک جهانی تطبیق شود، خبر داده‌اند. در خبرنامه ارگ از دیدار رییس جمهور با مسوولان نهادی بین‌المللی آمده است که در مرحله اول مبارزه با موج دوم ویروس کرونا، قرار است ۲۰ تا ۴۰ درصد برنامه واکسن در افغانستان، تطبیق شود.

نه مقام محلی و یک عضو شورای ولایتی هرات به اتهام فساد در مصرف بودجه کرونا به سارنوالی معرفی شدند

۸ صبح، هرات: منابع معتبر محلی که از ذکر نام‌شان خودداری می‌کنند، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که نه مقام محلی و یک عضو شورای ولایتی هرات به اتهام فساد و سوءاستفاده در مصرف بودجه کرونا، به سارنوالی معرفی شده‌اند.

یک منبع معتبر بدون ذکر نامش به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که رییس اطلاعات و فرهنگ، یک عضو شورای ولایتی، سرپرست پیشین ریاست حکومت‌داری شهری شهرداری، معاون اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری، مدیر مالی و اداری ریاست اطلاعات و فرهنگ، نماینده شرکت ترانسپورتی اتفاق، نماینده شرکت چاپ اسلمی، نماینده جامعه مدنی، نماینده رسانه‌ها و یک عضو کمیته نظارت بر مصرف بودجه کرونا، افرادی هستند که به سارنوالی معرفی شده‌اند. منابع معتبر محلی در هرات می‌گویند

نخستین جنرال سه ستاره زن افغانستان درگذشت



۸ صبح، کابل: معین وزارت صحت عامه درگذشت سهیلا صدیق، وزیر پیشین و از جنرالان پیش‌کسوت زن در کشور را تأیید کرده است.

وحید مجروح، معین عرضه خدمات صحت وزارت صحت عامه روز جمعه، چهاردهم قوس در یادداشتی در فیس‌بوکش او را از «درخشان‌ترین چهره‌های جامعه طبی و قوای مسلح افغانستان» توصیف کرده است. وزارت دفاع ملی نیز با نشر خبرنامه‌ای مرگ سهیلا صدیق را تأیید کرده است که در اثر بیماری صبح روز جمعه، چهاردهم قوس در شفاخانه سردار محمد داوودخان در کابل جان باخته است.

جنرال صدیق در ۲۰ حوت ۱۳۲۷ هجری خورشیدی در شهر کابل تولد شده است. بانو صدیق آموزش دوران مکتب را در لیسه ملالی شهر کابل و آموزش‌های عالی را در رشته طب در دانشگاه کابل و انستیتوت طب دولتی نمبر (۱) مسکو فرا گرفته بود. بانو صدیق در سال ۱۳۵۴ خورشیدی به درجه دوکتورا از انستیتوت طب دولتی نمبر (۱) روسیه فارغ شده بود.

وزارت دفاع ملی گفته است که جنرال صدیق پس از ختم تحصیلات عالی‌اش به افغانستان برگشت و در دوره محمدداوودخان در شفاخانه ۴۰۰ بستر آکادمی علوم طبی کارش را آغاز کرد.

به همین ترتیب، سهیلا صدیق در سال ۱۳۵۷ هجری خورشیدی به حیث داکتر جراحی «شف سرویس عملیات‌خانه» شفاخانه مرکزی ارتش کار را آغاز کرد. او هم‌چنان در سال ۱۳۷۲ هجری خورشیدی به حیث سرجراح شفاخانه سردار محمد داوود خان و در سال ۱۳۷۵ هجری خورشیدی به عنوان فرمانده آکادمی علوم طبی کار کرده است.

طبق معلومات وزارت دفاع ملی، جنرال صدیق در هشتم حوت ۱۳۸۱ هجری خورشیدی به حیث وزیر صحت عامه عضو کابینه شد و در سال ۱۳۸۴ به عنوان وزیر مشاور ریاست جمهوری اسلامی افغانستان گماشته شد. وزارت دفاع ملی گفته است که سهیلا صدیق متخصص جراحی عمومی بود برای ۴۰ سال در سخت‌ترین و دشوارترین حالات در کنار مردمش ماند و به افغانستان خدمت کرد. جنرال صدیق در عمر ۷۲ سالگی درگذشته است.



نخستین نشست کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی امروز برگزار می‌شود



حسب بهش

نخستین نشست کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی امروز در ارگ ریاست جمهوری برگزار می‌شود. قرار است محمدشرف غنی،

رییس جمهور، نیز در این نشست حضور یابد. با توجه به

حضور آقای غنی، شمار شرکت‌کنندگان این کمیته در نخستین نشست آن به ۴۹ نفر می‌رسد. هرچند برخی سیاسیون، از جمله حامد کرزی، گلبدین حکمتیار و صلاح‌الدین ربانی پیش از این از حضور در ترکیب شورای عالی مصالحه ملی انصراف دادند، اما منابع می‌گویند که تلاش‌هایی از آدرس عبدالله عبدالله برای حضور این افراد در نشست کمیته رهبری این شورا صورت گرفته است. قرار است نشست‌های کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی هر دو هفته یک بار برگزار شود. با این حال، نشست فوق‌العاده این کمیته در صورت نیاز برگزار خواهد شد. هدف از برگزاری نشست کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی، کسب اجماع داخلی پیرامون صلح است تا دیدگاه‌ها پس از توحید به هیأت مذاکره‌کننده در دوحه ارایه شود و خطوط اساسی گفت‌وگوها با طالبان را ترسیم کند. منابع تصریح می‌کنند که با توجه به حضور چشم‌گیر نمایندگان حکومت، تصمیم اساسی و نهایی در بحث‌های صلح از سوی این کمیته گرفته می‌شود. این در حالی است که بحث‌ها میان ارگ و سپیدار در مورد تشکیل مجمع عمومی شورای عالی مصالحه ملی نیز ادامه دارد و احتمال می‌رود که ترکیب آن در جریان روزهای آینده مشخص شود.

پس از شش ماه جنجال بر سر تشکیل کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی، اولین نشست این کمیته امروز شنبه، پانزدهم قوس، در ارگ ریاست جمهوری برگزار می‌شود. قرار است این نشست حوالی ساعت ۹:۰۰ امروز آغاز شود. منابع آگاه می‌گویند که عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی، با برگزاری این نشست در ارگ ریاست جمهوری موافقت کرده و به حضور آقای غنی در این نشست رای مثبت داده است. هرچند ترکیب دایمی این کمیته ۴۸ نفر است، اما با حضور رییس جمهور غنی، شمار شرکت‌کنندگان آن در نخستین نشست به ۴۹ نفر می‌رسد. منابع می‌گویند که آقای غنی در دیگر نشست‌ها حضور نخواهد یافت، اما می‌تواند در صورت نیاز نشست فوق‌العاده این



کمیته را تقاضا کند. بر اساس زمان‌بندی‌ها، قرار است نشست‌های کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی هر دو هفته یک بار برگزار شود.

منابع آگاه تصریح می‌کنند که فهرست این کمیته با حضور سیاسیون، روحانیون، فعالان مدنی و دیگر افسار میان ارگ و سپیدار نهایی شده است. در فهرست اعضای کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی تغییراتی اندکی آمده و برخی از افراد، از جمله فرخنده زهرا نادری و شهزاده شاهد نیز در آن اضافه شده‌اند. هرچند قرار بود بر اساس توافق‌نامه سیاسی تنها یک نماینده از آدرس حکومت در نشست‌های کمیته رهبری این شورا شرکت کند، اما عبدالله عبدالله با حضور شورای دولتی در این نشست موافقت کرده است. بدین ترتیب، امرالله صالح معاون اول ریاست جمهوری، سرور دانش معاون دوم ریاست جمهوری، میررحمان رحمانی رییس مجلس نمایندگان، عبدالهادی مسلم‌پار رییس مجلس سنا، حنیف اتمر وزیر امور خارجه، حمدالله محب مشاور شورای امنیت ملی و سه مشاور رییس جمهور نیز در نشست‌های این کمیته حضور می‌یابند. با وجودی که در توافق‌نامه آمده بود که تنها یک نماینده رییس جمهور در این

پیرامون صلح را توحید کرده و سپس به هیأت مذاکره‌کننده در دوحه ارایه می‌کند. افزون بر این، کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی در مورد «خصوصیات اساسی» برای مذاکرات با طالبان تصمیم می‌گیرد. منابع در شورای عالی مصالحه ملی می‌گویند که با توجه به حضور چشم‌گیر نمایندگان حکومت در این کمیته، تصمیم کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی اساسی و نهایی است و نیاز به تأیید ندارد. قرار است جریان برگزاری نخستین نشست کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی امروز به گونه زنده نشر شود تا مردم در جریان دیدگاه‌های سیاسیون پیرامون روند صلح قرار بگیرند.

هم‌زمان با برگزاری این نشست، بحث‌ها پیرامون اجندای مذاکرات صلح بین‌افغانی نیز امروز در دوحه آغاز می‌شود. با آن‌که هیأت مذاکره‌کننده دولت و طالبان مواردی را به عنوان اولویت اجندا در نظر دارند، اما دو طرف در تفاهم با یکدیگر روی اجندای مذاکرات تصمیم می‌گیرند.

شورای عالی مصالحه ملی براساس توافق‌نامه سیاسی بیست‌وهشتم ثور ایجاد شد. در بخش دوم توافق‌نامه آمده است که برای ایجاد اجماع سیاسی، شورای عالی دولت متشکل از رهبران سیاسی و شخصیت‌های ملی شکل می‌گیرد و در مسایل مهم ملی به رییس جمهور مشوره می‌دهد. شورای عالی مصالحه ملی امور مربوط به روند صلح را تثبیت، تصویب و رهبری می‌کند و تصمیم آن براساس «اکثریت آرا» و «با در نظر داشت مصالح ملی کشور» گرفته می‌شود. در این بخش تصریح شده است که «تصامیم و تصاویر شورای عالی مصالحه ملی نهایی بوده و عملی کردن آن در پرتو قانون اساسی الزامی است.» افزون بر این، تصریح شده است که «هیأت مذاکره‌کننده دولت به رهنمایی کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی کار و مطابق به مصوبه‌ها و رهنمایی آن عمل می‌کند.» همچنان گفته شده است که «هیأت مذاکره‌کننده به رییس و شورای عالی مصالحه ملی گزارش‌ده است.» در بخشی از این توافق‌نامه آمده است که «رییس جمهور در صورت لزوم نشست‌های مشورتی شورای عالی مصالحه ملی را دعوت می‌کند.»

سردی هوا از گرمای جنگ در غرب کشور کاسته است



خلیل رشون

هرچند مقام‌های ارشد ارتش در غرب کشور از افزایش ۴۰ درصدی خشونت نسبت به سال‌های گذشته در این حوزه خبر می‌دهند، اما در جریان چند هفته اخیر به دنبال سرد شدن هوا، آتش میدان‌های نبرد سرد

شده است. برخی کنش‌گران مدنی در غرب کشور باور دارند که هم‌اکنون در برخی از ولایات این حوزه پس از عملیات نیروهای امنیتی و سردی هوا، تا حدی تحركات طالبان کم‌تر شده و باید از فرصت پیش‌آمده برای بازپس‌گیری و پاک‌سازی مناطقی که در اختیار طالبان است، استفاده شود. آنان از مقام‌های امنیتی خواهان اقدامات قاطعانه در این زمینه هستند و تأکید دارند که برخی از مسیرها به ویژه بزرگراه‌هایی که ولایات غور، بادغیس و فراه را به هرات وصل می‌کند، هنوز ناامن است. به باور کنش‌گران، طالبان در این نقاط حضور گسترده دارند و با کارگذاری ماین، این مسیرها را ناامن می‌سازند.

برخی از کنش‌گران مدنی ولایت ناامن فراه از بهبود وضعیت امنیتی این ولایت سخن می‌گویند و تأکید دارند که برای تأمین امنیت بزرگراه‌های این ولایت به هرات، نیمروز و قندهار، نیاز است نیروهای پیش‌تری مستقر شوند، زیرا در برخی از ولسوالی‌ها طالبان حضور گسترده‌تری نسبت به نیروهای امنیتی دارند. داوود حق‌پار، فعال مدنی در فراه، در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح از بهبود اوضاع امنیتی در این ولایت نسبت به ماه‌های گذشته خبر می‌دهد و از بزرگراه‌های فراه با ولایات هرات، نیمروز و قندهار به عنوان مناطق آسیب‌پذیری نام می‌برد که نیازمند تأمین امنیت است.



فعالان مدنی ولایت فراه ادعا دارند که بخش‌هایی از بزرگراه‌ها و چند ولسوالی این ولایت به گونه‌ی کامل در اختیار طالبان است و باید مقام‌های امنیتی با راه‌اندازی عملیات نظامی این مناطق را از جنگ‌جویان طالب پس بگیرند.

فعالان مدنی در ولایت بادغیس نیز می‌گویند که در یک ماه اخیر آرامش تا حدی به این ولایت برگشته و برخی از ولسوالی‌ها از امنیت نسبتاً خوبی برخوردار است و در شماری از ولسوالی‌ها کمبود نیروی امنیتی دیده می‌شود.

جنیدالله اشکانی، کنش‌گر مدنی در بادغیس، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که در یک ماه اخیر وضعیت امنیتی در این ولایت نسبتاً بهتر شده، اما نگرانی از وجود ناامنی در بزرگراه بادغیس - هرات هنوز پابرجا است و از مقام‌های ارتش خواهان ایجاد پاسگاه‌های امنیتی در این مسیر می‌باشد.

وزیر نورانی، کنش‌گر مدنی در ولایت غور، در صحبت

در غرب کشور، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که در سال جاری خشونت‌ها تا ۴۰ درصد نسبت به سال‌های گذشته افزایش یافت و این امر نشان می‌دهد که «طالبان به صلح باور ندارند» و برای کاهش خشونت اقدام نمی‌کنند. این مقام ارشد ارتش در غرب کشور باور دارد که طالبان «عامل ویرانی کشور و کشتار مردم» هستند. او می‌گوید به نیروهای زیر فرمانش دستور می‌دهد تا برای تأمین آرامش مردم و مهار ناامنی، طالبان را از بین ببرند.

برخی سربازان تازه‌نفس ارتش که به تازه‌گی مهارت‌های جنگی را در مرکز آموزشی ارتش در غرب کشور فرا گرفته‌اند، از طالبان می‌خواهند که به پروسه صلح بپیوندند و این تنها راهی است که آنان را از «مرگ» نجات می‌دهد. نعیم احمدی، سرباز ارتش که آموزش‌های نظامی را سپری کرده است، از طالبان می‌خواهد دست از جنگ و خون‌ریزی بردارند و به روند صلح بپیوندند. هارون اسحاق‌زی، یکی دیگر از سربازان تازه‌نفس ارتش، به طالبان هشدار می‌دهد که تنها راه زنده ماندن‌شان دست کشیدن از جنگ و خون‌ریزی است و اگر تن به این کار ندهند، حتماً کشته می‌شوند.

نادر افضلی، فرمانده مرکز آموزشی قول اردوی ۲۰۷ ظفر، می‌گوید که در سال جاری بیش از ۲۵۰۰ تن از این مرکز فارغ و در ولایات‌های هرات، فراه، بادغیس و غور برای تأمین امنیت مستقر شده‌اند. او می‌افزاید که به تازه‌گی بیش از ۶۴۰ تن از جوانان آموزش‌های ابتدایی و مسلکی نظامی را فرا گرفته و ۴۰ تن از این فارغان، آموزش‌های حرفه‌ای خنثاسازی ماین‌ها را با جدیدترین روش‌های درسی آموخته‌اند و قرار است در چهار ولایت غربی کارشان را آغاز کنند.

با این همه، هرچند طی روزهای اخیر ولایات زون غرب گواه حملات پراکنده طالبان بود، اما مانند سال‌های گذشته به نظر می‌رسد با سرد شدن هوا، آتش جنگ نیز در این ولایات‌ها در حال سرد شدن است و میزان خشونت و حملات تهاجمی طالبان نسبت به هفته‌های گذشته اندکی کاهش یافته است.

عبدالروف ارغندیوال، فرمانده قول اردوی ۲۰۷ ظفر



وحدید پیمان

چرا باید «آتش‌بس» آجندای نخست باشد

افزایش نبرد و درگیری‌ها در افغانستان تاکنون نشان‌دهنده‌ی شکاف آشکار میان گفتار و کردار طرف‌های جنگ، به‌ویژه طالبان بوده است. در حالی که هر دو طرف، از صلح صحبت می‌کنند؛ اما در میدان جنگ علیه یک‌دیگر می‌رزمند. جنگی که دست‌کم با توجه به تقاضاهای مکرر آتش‌بس از آدرس حکومت، طالبان را در افکار عامه عامل تداوم آن معرفی کرده است.



اهمیت ویژه‌ای دارد.

واضح است که نادیده‌گرفتن فشارهای متعدد و خواست جامعه‌ی جهانی برای طالبان که حالا به عنوان طرف مذاکره مطرح هستند دشوار است؛ اما حقیقتاً در گذشته طالبان همه‌ی خواسته‌ها، فزاینده‌ها و فشارهای جامعه‌ی جهانی را برای قطع خشونت، تامین آتش‌بس و مذاکره‌ی مستقیم با دولت افغانستان به ساده‌گی رد کرده و به آن وقعی نگذاشته‌اند.

طالبان حالا نمی‌توانند به تمام معنا، طالبان چند سال پیش باشند. آن‌ها علاوه بر افکار عمومی در افغانستان حالا با فشارهای بیش‌تر جامعه‌ی جهانی نیز روبه‌رو اند. آن‌ها باید برای به ثمر رسیدن مذاکرات صلح، آتش‌بس را در اولویت برنامه‌های خود در مذاکرات قطر قرار دهند.

علاوه بر فشارهای جامعه‌ی جهانی کافی است که طالبان به طرزاعمال یا کار شیوه‌ی مذاکرات قطر تعهد داشته باشند. این تعهد، طالبان را مجبور به آتش‌بس می‌سازد. ولی چگونه؟

در مذاکرات قطر هیأت‌های حکومت و طالبان روی مینا قرار گرفتن توافق‌نامه‌ی دوحه، خواست مردم افغانستان، قطع‌نامه‌ی سازمان ملل متحد و اراده‌ی طرف‌ها در مذاکرات توافق کرده‌اند.

به جز توافق‌نامه‌ی دوحه که بر کاهش خشونت‌ها تاکید دارد، هر سه مورد دیگر، قطع‌نامه‌ی سازمان ملل متحد، خواست مردم افغانستان و دست‌کم اراده‌ی یکی از طرفین بر محور آتش‌بس تاکید مستقیم دارد. تعهد به طرزاعمال دوحه دو طرف را وادار می‌سازد که به قطع‌نامه‌ی سازمان ملل، خواست مردم افغانستان و اراده‌ی یک‌دیگر احترام بگذارند. هر سه‌ی این جریان‌ها

توجه به تقاضاهای مکرر آتش‌بس از آدرس حکومت، طالبان را در افکار عامه عامل تداوم آن معرفی کرده است.

در ۲۳ مارچ ۲۰۲۰، آنتونیو گوتش، دبیرکل سازمان ملل متحد خواستار آتش‌بس جهانی شد تا به کشورهای عضو اجازه دهد که تمرکز خود را برای مقابله با تهدید بشریت از ویروس کرونا افزایش دهند. حدود ۷۰ کشور از جمله افغانستان از این پیشنهاد پشتیبانی کردند.

علاوه بر آن بسیاری از همسایه‌های افغانستان نیز خواستار آتش‌بس در افغانستان شدند. ایران بیانیه‌ای صادر کرد که از آتش‌بس در افغانستان مطابق با درخواست سازمان ملل حمایت می‌کند. ایران اتفاقاً با دو جناح درگیر در افغانستان، از جمله با طالبان روابط دوجانبه و نزدیک دارد.

به همین ترتیب، چین از همه‌ی طرف‌ها خواست که «به ابتکار دبیرکل گوتش و آرمان جامعه‌ی بین‌المللی پاسخ دهند و درگیری و رویارویی را متوقف کنند و کشور و مردم را در اولویت قرار دهند.»

اتحادیه‌ی اروپا نیز بیانیه‌ی محکمی را به نفع آتش‌بس فوری بشردوستانه همراه با درخواست دبیرکل سازمان ملل صادر کرد. اتحادیه‌ای که نقش عمده در بازسازی افغانستان داشته و تداوم تعامل آن برای ثبات کشور بسیار مهم است.

هم‌چنان سازمان هم‌کاری اسلامی (OIC) نیز خواستار «آتش‌بس فوری و پایدار» شد. حمایت سیاسی کشورهای OIC، به‌ویژه عربستان سعودی، به عنوان متولی شهرهای مقدس اسلام و قطر به عنوان میزبان دفتر سیاسی طالبان نیز برای پایدار نگه‌داشتن آتش‌بس

در سفری که به قطر داشتیم، در دیدارهای متعدد با هیأت‌های مذاکره‌کننده‌ی حکومت و طالبان این سوال را مطرح کردم که آیا در جریان گفت‌وگوهای صلح، دو طرف بر یک آتش‌بس جامع توافق خواهند کرد؟ طرف حکومت تاکید داشت که این موضوع را به عنوان نخستین خواسته‌ی خود درج آجندا می‌کند؛ اما طرف طالبان تاکید داشت که آتش‌بس یکی از آجنداهای گفت‌وگوهای صلح خواهد بود.

هیأت‌های مذاکره‌کننده‌ی حکومت و طالبان قرار است صبح روز شنبه، نخستین رأی‌زنی‌های خود در مورد آجندای گفت‌وگوهای صلح را آغاز کنند. بسیاری از شهروندان افغانستان توقع دارند که آتش‌بس آجندای نخست دو طرف در مذاکرات صلح باشد.

اما واقعیت این است که تا این‌جای کار برای حکومت افغانستان آتش‌بس در صدر فهرست خواسته‌هایش در میز مذاکره قرار دارد و برای طالبان این مورد در انتهای فهرست جای گرفته است.

استراتژی حکومت این است که با تامین آتش‌بس، با طالبان وارد گفت‌وگوی دیپلماتیک شود و در نهایت طالبان را وارد ساختار حکومتی سازد؛ اما استراتژی واضح طالبان این است که با افزایش نبرد در میدان جنگ، منافع خود در میز مذاکره را تامین کنند. استراتژی حکومت از سوی افکار عامه و جامعه‌ی جهانی به صورت طبیعی خریدار بیش‌تری دارد. اما سوال این‌جا است که استراتژی طالبان تا چه پیمانهای با طرزاعمال و کارشیوه‌ی تازه شکل‌یافته‌ی مذاکرات دوحه در تضاد است؟ آیا جهان، از گفت‌وگوهای صلح همراه آتش‌بس حمایت می‌کند یا از مذاکرات توأم با خشونت؟

در حال حاضر، علاوه بر جهان، مردم افغانستان هم بر سر دو راهی قرار دارند، آن‌ها با دو آینده‌ی احتمالی مواجه‌اند: درگیری و خشونت‌های پایان‌ناپذیر یا پیش‌رفت تدریجی به سمت صلح پایدار.

افزایش نبرد و درگیری‌ها در افغانستان تاکنون نشان‌دهنده‌ی شکاف آشکار میان گفتار و کردار طرف‌های جنگ، به‌ویژه طالبان بوده است. در حالی که هر دو طرف، از صلح صحبت می‌کنند؛ اما در میدان جنگ علیه یک‌دیگر می‌رزمند. جنگی که دست‌کم با

کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه‌ی ملی و آزمون شکست و پیروزی

ملک مبارز

فرصت برای این شورا است، می‌تواند یک چالش هم باشد. زیرا تجربه‌ی چند دهه‌ی پسین نشان داده است که گاهی تصمیم‌های بزرگ ملی بر اساس سلیقه و رویه‌های قشری گرفته شده است، نه بر اساس منافع ملی. امروز اما وضعیت به گونه‌ی پیش آمده است که تمام جریان‌ها و گروه‌های قومی و زبانی از تداوم جنگ و خون‌ریزی خسته شده‌اند و خواستار صلح و برقراری ثبات هستند. این امر سبب شده است که امیدواری‌ها برای استفاده‌ی بهینه از فرصت پیش‌آمده، افزایش یابد. هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان با توجه به مخالفت ریاست جمهوری دچار بحران رهبری و مرجعیت است. رییس شورای مصالحه‌ی ملی که رهبری شورای صلح را به عهده دارد از واردشدن به دور دیگری از تنش با ارگ احتراز می‌کند. او پشت پرده و با استفاده از قدرت نرم و دیپلماسی تلاش می‌نماید تا مشکلات را حل کند. واردساختن حامد کرزی و سیاف در قانع ساختن محمد اشرف غنی برای کنارگذاشتن مخالفت با دستورالعمل، نمونه‌ای از این روی کرد است. اما شکل‌گیری کمیته که به صورت مستقیم رهبری و راهنمایی هیأت را به عهده دارد و از ترکیب ملی نیز برخوردار است، به مشکل مرجعیت در تصمیم‌گیری‌ها و رهبری هیأت مذاکره‌کننده پایان می‌دهد و زمینه‌ی حضور رییس شورای عالی صلح و قطع مداخلات ارگ را فراهم می‌سازد.

کمیته‌ی شورای عالی مصالحه‌ی ملی با ترکیب مهره‌های درشت سیاسی و قومی در این شرایط با آزمون بزرگ شکست و پیروزی روبه‌رو است. آغاز به کار این کمیته می‌تواند تأثیر ژرف بر روند گفت‌وگوها بگذارد و مسیر جهت‌گیری هیأت مذاکره‌کننده را ترسیم و روشن کند. اگر این کمیته با این ترکیب و فضای مثبت منطقه‌ای و جهانی که در امر صلح شکل گرفته است، نتواند پیروز شود و مسیری را که به صلح پایدار و با عزت منتهی می‌شود نپیماید، بی‌تردید شکست بزرگ برای همه خواهد بود.

دارد. اجماع ملی و اتخاذ موضع واحد در جریان گفت‌وگوهای صلح، می‌تواند پیروزی گفت‌وگوها و حفظ دست‌آوردهای سال‌های پسین مردم افغانستان را تضمین کند. فرصت استثنایی برای پایان جنگ و ختم خون‌ریزی‌ها فراهم است. از این فرصت باید استفاده‌ی اعظمی کرد. هم حکومت افغانستان و هم طالبان باید به خواست واقعی مردم افغانستان که تامین صلح پایدار و ثبات سیاسی در کشور است، گوش و با اراده‌ی واقعی صلح‌خواهی و نیک‌پنداری به گفت‌وگوهای صلح ادامه دهند و دست از زیاده‌خواهی بردارند.

اجماع ملی و سیاسی در درون افغانستان گام بلند و اساسی در راستای رسیدن به این هدف بزرگ و مهم است. اگر سیاستمداران و مردم افغانستان به گونه‌ی واحد در راه صلح گام بردارند، هیچ فرد و گروهی نمی‌تواند مانع تحقق این خواست ملی شود. تا این‌جای کار شورای عالی مصالحه‌ی ملی توانسته است در راستای جلب حمایت‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی موفق عمل کند. اجماع ملی، منطقه‌ای و جهانی در راستای تحقق صلح افغانستان شکل گرفته است. هرچند عدم شکل‌گیری کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه‌ی ملی در این مدت، چالش جدی به شمار می‌رفت؛ اما آغاز به کار این کمیته در این شرایط اهمیت حیاتی دارد و اگر این کمیته مسوولانه و فعال عمل کند، احتمال دست‌یافتن به صلح پایدار در کشور فراهم است.

ترکیب کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه‌ی ملی جامع و همه‌شمول است. این یک فرصت برای این کمیته و شورای عالی مصالحه‌ی ملی است. از تمام جریان‌های بزرگ سیاسی، اقوام و مذاهب در این ترکیب حضور دارند. این ترکیب همان‌گونه که یک

تنظیم می‌گردد؛ اما در بخش صلاحیت‌های عمده‌ای که در متن توافق‌نامه به شورای عالی مصالحه‌ی ملی و کمیته‌ی رهبری درج شده، آمده است که هیأت مذاکره‌کننده به راهنمایی کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه‌ی ملی ایفای وظیفه می‌کند، مطابق مصوب‌ها و رهنمایی آن عمل می‌نماید و به رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی گزارش می‌دهد.

طبق مواد این توافق‌نامه، رهبری و مدیریت هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان از صلاحیت کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه‌ی ملی به ریاست دکتر عبدالله عبدالله است. تشکیل و آغاز به کار این کمیته می‌تواند، روند گفت‌وگوهای صلح را در دوحه مدیریت و در جهت‌دهی موضع هیأت مذاکره‌کننده نقش موثر و اساسی بازی کند. بر این اساس، یک گام بلند و بنیادی دیگر در راستای صلح برداشته می‌شود و از دست‌اندازی‌ها در روند صلح جلوگیری می‌گردد.

نزدیک به دو ماه و نیم از شروع مذاکرات صلح در دوحه می‌گذرد. در این مدت حکومت بارها تلاش کرده است تا در جهت‌گیری و تصمیم‌های هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان دخالت کند. وقتی هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان با طالبان روی کارشیوه‌ی گفت‌وگوها به نتیجه رسید، محمد اشرف غنی از این تصمیم ناراضی بود و قصد داشت دخالت کند؛ اما با پا در میانی رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی، حامد کرزی، عبدالرب رسول سیاف و محمدیونس قانونی، آقای غنی مجبور شد که از موضع خود عقب نشیند و تن به تصمیم هیأت مذاکره‌کننده بدهد.

افغانستان در شرایط حساس و سرنوشت‌سازی قرار

پس از ماه‌ها تأخیر و اختلاف بر سر تشکیل کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه‌ی ملی میان ارگ و سپیدار، قرار است شنبه، ۱۵ قوس، نخستین نشست این کمیته با حضور رییس جمهور، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی، رهبران سیاسی و شخصیت‌های متنفذی که عضویت این کمیته را دارند، در ارگ یا در سپیدار برگزار شود.

این نشست پس از اعتراض‌های گسترده‌ی ملی و جهانی برگزار می‌شود. هفته‌ی گذشته شماری از سفارت‌خانه‌ها و نهادهای بین‌المللی در کابل و شخصیت‌های سیاسی کشور، از عدم شکل‌گیری کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه‌ی ملی انتقاد کردند و خواستار تشکیل و آغاز به کار هر چه زودتر این کمیته شدند. آنان بیان داشتند که عدم شکل‌گیری کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه‌ی ملی سبب شده است تا هیأت گفت‌وگوکننده‌ی افغانستان در دوحه با مشکل رهبری مواجه شود.

سرنجام کمیته تشکیل و نخستین نشست آن برگزار می‌شود؛ اما صلاحیت و ساحه‌ی کاری کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه‌ی ملی چیست؟ تشکیل و آغاز به کار این کمیته چه تأثیری بر روند گفت‌وگوهای صلح می‌گذارد؟ آیا کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه‌ی ملی می‌تواند روند صلح را به گونه‌ی شایسته رهبری و دست‌اندازی‌ها را از مسیر گفت‌وگوهای صلح کوتاه کند؟ فرصت‌ها و چالش‌های کاری این کمیته چه است؟ در توافق‌نامه‌ی سیاسی که میان ارگ و سپیدار به تاریخ ۲۸ ثور سال روان به امضا رسید، آمده است: «شورای عالی مصالحه ملی دارای دو بخش: ۱. مجمع عمومی و ۲. کمیته‌ی رهبری می‌باشد» که صلاحیت‌ها و وظایف هر دو بخش در اصول و وظایف داخلی این شورا



+ (93) 700 175 510 / + (93) 788 788 799

جهت سفارش آگهی‌تان با شماره‌های روبه‌رو در تماس شوید:

سال سیزدهم
قیمت: ۲۰ افغانی

روزنامه ۸ صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه‌ی ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸ صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم‌تر و کیفیت بهتر نشر می‌کند. این روزنامه یک صفحه‌ی ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه‌اندازی کرده است. در این صفحه‌ی ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه‌ی چاپی و مخاطبان حداکثری در پایگاه‌های مجازی‌مان آماده همکاری با مشاغل و کسب‌وکارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

بهزاد فرنیچر



Email: behzad.dost@gmail.com 0781 700 000

بهزاد فرنیچر کیفیت بهتر

آدرس: چهارراهی بره‌کی، کابل، افغانستان

مؤسسه نشر وازه

پیشرو در امور چاپ، نشر و پخش کتاب



دفتر مرکزی و فروشگاه: ۱: کابل، کارته ۳، چهارراه پل سرخ، مارکت تجاری ملی، منزل پایین، نشر وازه
فروشگاه: ۲: کابل، پل سوخته، چوک شهید مزاری، مارکت محمدی، نشر وازه
چاپخانه: کابل، شهرک امید سبز، فاز اول، چاپ وازه، پلاک ۲۲
۰۷۸۰۷۴۷۴۳۰ - ۰۷۸۰۷۴۷۳۴۷

Vazha.Publication NashreVazha VazhaPub

شفاخانه آینه صحت

تخفیف ویژه
۲۸۰۰۰ افغانی

کاشت مو طبیعی به روش FUE

کاشت مو یکی از تداوی‌های عمده و اساسی برای طاسی سر است. در این تداوی موها از ساحات عقب سر یعنی قسمت‌هایی که موها قوی‌تر هستند و مساعد به ریزش نیستند گرفته شده و به قسمت جلو سر یعنی جاهای خالی انتقال داده می‌شود. قبلاً هموطنان ما برای اجرای این عملیه مجبور به سفر به خارج از کشور بودند اما فعلاً این عملیه در داخل کشور با مصارف کمتر قابل اجرا است. تیم مرکز جلدی و زیبایی شفاخانه آینه صحت با سرپرستی داکتر پامیر حسین صالحی، داکتر میوند حبیب و داکتر وحیدالله عاشر، با در نظر داشت شرایط اقتصادی هموطنان ما کاشت مو را با کیفیت عالی و تخفیف ویژه انجام می‌دهد.

آدرس: بین چهارراهی پروان دوم و گل سرخ، شفاخانه آینه صحت
شماره تماس: ۰۷۸۱۲۳۵۰۴۰

BARTARTECH
INNOVATIVE & DIGITAL SOLUTIONS

شرکت خدمات IT
برتر تیک

لیست بهترین خدمات ما

- طراحی وبسایت
- وب هاستینگ و ثبت دامین
- طراحی و توسعه دیتابیس
- ساخت برنامه‌های موبایل
- طراحی و پیاده سازی نتورک
- نصب کامره‌های امنیتی
- بازاریابی از طریق شبکه‌های اجتماعی
- گرافیک دیزاین (لوگو، بروشور، ویزیت کارت...)
- سنو (بالا بردن رتبه سایت در صفحه اول گوگل)

+93777690909 info@bartartech.com

+93787935900 www.bartartech.com کوته سنگی، گولابی دواخانه، کابل افغانستان

نوی عدالت

Electric co.

پرچون

عمده

عرضه کننده هر نوع سامان آلات برقی، کیبل جات ایرانی و ترکی
گروپ های کم مصرف LED گروپ های چارچی و بخاری های برقی
با قیمت های مناسب در خدمت همشهریان عزیز قرار دارد



آدرس اول: کابل، کوته سنگی شروع پل هوایی جوار هتل آریانا کابل - مرکز تجاری نظیف
آدرس دوم: کابل، کوته سنگی جوار کوچه حلبی سازی - مارکیت چهاردهی وال
شماره های تماس: 0781776989 - 0744019820 - 0730784449

معتبر و باکیفیت

هاردسک اکسترنال

انتی ویروس (خانگی + تحت سرور)

بامیکا

Follow us on

@BamikaSoft & @BamikaHard

ما را دنبال کنید



۳ سال ورتتی تبدیلی

ADATA

Silicon Power

ESET

Kaspersky



www.bamikatech.com

0789945066 - 0799735660

آدرس: چهارراهی پل سرخ، مارکت ملی، منزل اول، نمبر ۱۹

توزیع ده‌ها گل‌خانه سبزیجات برای زنان دایکندی



اداره زراعت و مالداري دايکندي، در قالب پروژه ملي باغداری و مالداري ده‌ها گل‌خانه را به منظور توليد سبزیجات مورد نیاز خانواده‌ها و ساير باشندگان این ولایت، برای زنان توزیع می‌کند. توزیع این گل‌خانه‌ها روز پنج‌شنبه، سیزدهم قوس، از سوی مسوولان محلی این ولایت رسماً آغاز شده است. مسوولان ریاست زراعت دایکندي می‌گویند که هرچند قرار بود این گل‌خانه‌ها تنها در دو ولسوالی‌های شهرستان و میرامور این ولایت برای زنان زراعت‌پیشه توزیع شود، اما این اداره تصمیم گرفته است که براساس سروی‌های انجام شده، این گل‌خانه‌ها به باشندگان ساير ولسوالی‌ها نیز توزیع شود.



الیاس طاهری

بانوانی که تاکنون این گل‌خانه‌ها را دریافت کرده‌اند، با ابراز خرسندی می‌گویند که امیدوار اند بتوانند افزون بر تأمین سبزیجات مورد نیاز خانواده‌هایشان، بخشی از سبزیجات تازه بازار را نیز تولید کنند. ثریا باشنده‌ی منطقه‌ی «بند بوران» از مربوطات نیلی مرکز ولایت دایکندي، یکی از بانوانی است که از این گل‌خانه‌های زمستانی دریافت کرده است. او با خوشحالی می‌گوید که توزیع گل‌خانه برای زنان زراعت‌پیشه و همین‌طور آموزش استفاده از این گل‌خانه‌ها، کمک خوبی برای رشد اقتصادی خانواده‌ها خواهد کرد. وی می‌افزاید که ترویج استفاده از گل‌خانه به منظور تولید انواع سبزیجات و فروش آن در بازار، می‌تواند نیازمندی‌های اقتصادی بانوان را مرفوع کند و افزون بر آن، استفاده از سبزیجات به عنوان غذاهای سالم به صحت خانواده‌ها نیز مفید است. به باور ثریا، در صورتی که برای بانوان شیوه‌ی درست استفاده از گل‌خانه آموزش داده شود، آنان می‌توانند با فروش حاصلاتی که از گل‌خانه‌ها جمع‌آوری می‌کنند، بخش زیادی از مصارف خانواده‌هایشان را نیز تأمین کنند. وی هم‌چنان می‌افزاید که زنان در تمامی بخش‌ها می‌توانند فعالیت‌های موثر داشته باشند، اما به گفته‌ی او در بخش زراعت و مالداري، زنان نقش بسیار عمده و اساسی دارند. ثریا از دولت می‌خواهد که در آینده به زنان بیش‌تری گل‌خانه توزیع کند و در کنار آن در بخش‌های دیگر زراعت و مالداري نیز به زنان آگاهی

داده شود. بانو ثریا با دریافت این گل‌خانه، حالا امیدوار است که در کنار تأمین سبزیجات برای خانواده، بتواند به رشد اقتصادی خانواده‌اش نیز کمک کند. دایکندي در مرکز کشور، یکی از ولایت‌های کوهستانی و سردسیر است که به گفته‌ی مقام‌های محلی، نبود سبزیجات در مینوی غذایی خانواده‌ها یکی از مشکلات عمده‌ی مردم می‌باشد. مسوولان اما امیدوار اند که با توزیع گل‌خانه‌ها برای بانوان و با پرورش انواع سبزیجات در این گل‌خانه‌ها، جای خالی سبزیجات تازه در دسترخوان خانواده‌ها پر شود. در کنار موجودیت فقر اقتصادی در بسیاری از خانواده‌ها، سردی هوا و دشواری بودن راه‌های مواصلاتی ولایت دایکندي، دسترسی باشندگان این ولایت به سبزیجات را در فصل زمستان دشوارتر ساخته است. ریاست زراعت و مالداري دایکندي برای رشد اقتصادی زنان و دسترسی خانواده‌ها به سبزیجات، روند توزیع گل‌خانه را به تعداد یک‌صد و یک زن در ولسوالی‌های مختلف این ولایت آغاز کرده است. سیدعبدالواحد فیروزی، رییس زراعت، آبیاری و مالداري دایکندي، در

برنامه آغاز توزیع گل‌خانه‌ها گفت که به دلیل سردسیر بودن این ولایت، در فصل زمستان مردم با کمبود سبزیجات مواجه می‌شوند. به گفته آقای فیروزی، از طرفی هم راه‌های مواصلاتی دایکندي با ساير ولایت‌هایی که در آن‌ها سبزیجات تازه تولید می‌شود، بسیار دشوارگذر و طولانی است و واردات سبزیجات ممکن نیست. وی افزود که استفاده از سبزیجات در هر وعده‌ی غذایی، به سلامت انسان مفید است و به ویژه کودکان را از سوءتغذی نجات می‌دهد. مسوولان ریاست زراعت دایکندي می‌گویند افزون بر این‌که خانواده‌ها سبزیجات مورد نیازشان را تولید می‌کنند، می‌توانند به همسایه‌هایشان نیز سبزی بدهند و حتا در بازار نیز عرضه کنند و از این طریق عایدات خوبی داشته باشند. رییس زراعت دایکندي اضافه کرد که بودجه‌ی این گل‌خانه‌ها بیش‌تر از ۶ میلیون افغانی می‌شود که از سوی دولت افغانستان پرداخت شده است. به نقل از رییس زراعت دایکندي، سال‌های گذشته نیز به برخی از کشاورزان گل‌خانه توزیع شده بود که نتایج بسیار خوبی در پی داشت و

حتا بخشی از نیازمندی‌های بازار به سبزیجات تازه، از طریق همین گل‌خانه‌ها رفع می‌شود. ریاست زراعت، آبیاری و مالداري دایکندي هم‌چنان اعلام کرده است که قرار است در آینده وزارت زراعت و ساير نهادهای مربوط، برای خانواده‌ها گل‌خانه توزیع کنند تا از وارد کردن سبزیجات به ولایت دایکندي جلوگیری شود. با این حال، خانواده‌ها و به ویژه زنانی که از پروژه گل‌خانه‌ها برای پرورش سبزیجات مستفید شده‌اند، ضمن ابراز خرسندی، خواستار گسترش این برنامه در سراسر ولایت دایکندي می‌باشند. از سویی هم شورای ولایتی دایکندي از وزارت زراعت می‌خواهد که این برنامه را در آینده به ساير بخش‌های این ولایت نیز توسعه بدهد تا تمامی باشندگان دایکندي به سبزیجات تازه دسترسی داشته باشند. برنامه‌ی توزیع گل‌خانه‌های سبزیجات در حالی برای شماری از بانوان دایکندي روی دست گرفته شده است که شماری از اعضای شورای ولایتی دایکندي پیش از این وزارت زراعت را به کم‌توجهی نسبت به دهقانان این ولایت متهم کرده بودند.

چالش‌های دسترسی به اطلاعات

فساد اداری: فساد اداری یکی از علت‌های اساسی عدم آرایه‌ی اطلاعات پنداشته می‌شود. بدون شک دسترسی به اطلاعات، شاه کلید مبارزه با فساد اداری است. فساد اداری و دسترسی به اطلاعات همیشه در تضاد قرار دارد، چون دسترسی به اطلاعات افشاکننده‌ی فساد اداری است و فسادپیشه‌گان در مقابل نهادینه‌شدن حق دسترسی به اطلاعات به یک فرهنگ ایستاده‌گی می‌کنند.



جعفر ایشانی، کارشناس آگاهی عامی کمیسیون دسترسی به اطلاعات

نگهداری شود، اداره قادر خواهد بود که اطلاعات را به اسرع وقت به متقاضی آرایه و هم‌چنین از نابودی و حریق آن جلوگیری کند. عدم موجودیت بانک اطلاعاتی در ادارات، مشکل عمده‌ای است که ادارات نمی‌توانند اطلاعات را به اسرع وقت به متقاضی آرایه کنند. هرگاه شما اطلاعاتی را که مربوط به ده سال قبل باشد، تقاضا کنید به خاطر نبود بانک اطلاعاتی، اداره قادر به آرایه‌ی اطلاعات در زمان تعیین‌شده نخواهد شد.

۵. سطح پایین اراده‌ی سیاسی: اراده‌ی سیاسی نه تنها در بخش نهادینه‌سازی حق دسترسی به اطلاعات به یک فرهنگ مهم است؛ بلکه در تمام بخش‌های حکومت‌داری حایز اهمیت است. اما این‌که چرا اکثر سیاست‌مداران افغانستان اراده‌ی برای نهادینه‌سازی حق دسترسی به اطلاعات به یک فرهنگ ندارند، ریشه در دو چیز دارد: اول، عدم آگاهی سیاسیون از اهمیت و نقش دسترسی به اطلاعات در روند حکومت‌داری خوب. دوم، آغشته‌بودن سیاسیون در اختلاس‌های کلان و فسادهای میلیونی. چون اگر دسترسی به اطلاعات بال‌های حاکمیت خویش را در ادارات دولتی پهن کند، تمام اختلاس‌ها و فسادهای سیاسیون افشا خواهد شد و جایگاه و منزلت آنان نزد مردم آسیب خواهد دید.

پنج چالش عمده‌ای که در مقابل نهادینه‌شدن حق دسترسی به اطلاعات به یک فرهنگ وجود دارد، با آگاهی از حق و قانون دسترسی به اطلاعات برداشته خواهد شد. آگاهی شرط اساسی عدالت، تطبیق قانون و شفافیت است. هرچند برداشتن این چالش‌ها آسان نیست؛ اما با سعی و تلاش دولت، کمیسیون دسترسی به اطلاعات، رسانه‌ها، جامعه‌ی مدنی، نهادهای آکادمیک و اتحادیه‌های صنفی می‌توان این چالش‌ها را از مسیر راه برداشت.

فراروی روند حکومت‌داری خوب است. دولت و ملت افغانستان هم با این مشکل دست و پنجه نرم می‌کنند. عدم آگاهی شهروندان، نهادها و ادارات دولتی از حق و قانون دسترسی به اطلاعات یکی از عمده‌ترین چالش‌ها و مشکلات فراروی نهادینه‌سازی حق دسترسی به اطلاعات به یک فرهنگ است. عدم آگاهی شهروندان از حق و قانون دسترسی به اطلاعات، خود زمینه‌ساز فرهنگ محرمیت در ادارات دولتی شده است. آگاهی از این حق شهروندان را پرسش‌گر و ادارات را پاسخ‌گو می‌سازد. وقتی شهروندان پویا، متحرک و پرسش‌گر باشند، دولت به مردم پاسخ‌گو خواهد بود. وقتی پاسخ‌گویی وجود داشته باشد، شفافیت وجود خواهد داشت. یکی از مسوولیت‌های مهم کمیسیون دسترسی به اطلاعات، آگاهی‌دهی از حق و قانون دسترسی به اطلاعات است که باید کمیسیون بیش‌ترین توجه خویش را در قسمت آگاهی‌دهی داشته باشد.

۳. فساد اداری: فساد اداری یکی از علت‌های اساسی عدم آرایه‌ی اطلاعات پنداشته می‌شود. بدون شک دسترسی به اطلاعات، شاه کلید مبارزه با فساد اداری است. فساد اداری و دسترسی به اطلاعات همیشه در تضاد قرار دارد، چون دسترسی به اطلاعات افشاکننده‌ی فساد اداری است و فسادپیشه‌گان در مقابل نهادینه‌شدن حق دسترسی به اطلاعات به یک فرهنگ ایستاده‌گی می‌کنند.

چون اختلاس‌گران و فسادپیشه‌گان خوب می‌دانند که در صورت آرایه‌ی اطلاعات و دسترسی شهروندان، رسانه‌ها و جامعه‌ی مدنی به اطلاعات، فساد و اختلاس‌شان آشکار خواهد شد. وقتی اختلاس‌گران و فسادپیشه‌گان افشا شوند، طبیعی است که به پنجه‌ی قانون سپرده خواهند شد و نزد افکار عامه جایگاه و منزلت خویش را از دست خواهند داد.

۴. عدم موجودیت بانک اطلاعاتی در ادارات دولتی: اکثریت ادارات دولتی افغانستان تا هنوز فاقد بانک اطلاعاتی است؛ نیاز مبرم است تا بانک اطلاعاتی در ادارات ایجاد شود. اسنادی که مربوط به کارکردها و فعالیت‌های ادارات می‌شود، دوسیه و در آرشیف به شکل حضوری نگهداری می‌شود که در صورت تقاضای اطلاعات وقت زیاد لازم است تا اطلاعات را در زمان مشخص به متقاضی آرایه کنند. هم‌چنان خطر حریق و نابودی اسنادی که تنها به شکل حضوری نگهداری می‌شود، زیاد است. اما اگر در کنار نگهداری اسناد به شکل حضوری، اسناد پی‌دی‌اف و در بانک اطلاعاتی

۲. حاکمیت فرهنگ محرمیت در ادارات دولتی: چنان‌چه قبلاً اشاره شد کسانی که در رهبری ادارات قرار دارند، خود را مالک اطلاعات می‌پندارند. هم‌چنان به مدت طولانی فرهنگ محرمیت در ادارات دولتی حاکم بوده است. موجودیت فرهنگ محرمیت یکی دیگری از موانع عمده و اساسی مقابل نهادینه‌شدن حق دسترسی به اطلاعات به یک فرهنگ است. این فرهنگ زمانی از ادارات دولتی برداشته خواهد شد و جایگاه را به فرهنگ آرایه‌ی باز خواهد داد که شهروندان و ادارات دولتی از حق و قانون دسترسی به اطلاعات آگاهی حاصل کنند.

در کنار آگاهی شهروندان و ساير نهادهای دموکراتیک، باید رهبری و کارمندان ادارات دولتی از این حق حداقل آگاهی نسبی داشته باشند. باید در قدم نخست برنامه‌های آگاهی‌دهی از حق و قانون دسترسی به اطلاعات را کمیسیون دسترسی به اطلاعات در ادارات

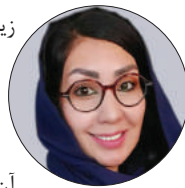
دموکراسی نوپا و جوان افغانستان که تازه شاخه زده، به گونه‌ی نسبی توانسته است تمام اقشار و اقوام مختلف افغانستان را در زیر سایه‌ی خویش در روند حکومت‌داری سهیم و دخیل سازد. اما این دموکراسی نوپا هرازگاهی زیر تهدید است. شفافیت و حساب‌دهی دولت به ملت از جمله‌ی مولفه‌های نظام دموکراسی است. شفافیت و حساب‌دهی بدون دسترسی شهروندان و نهادهای چون جامعه‌ی مدنی، رسانه و نهادهای آکادمیک به اطلاعات، امکان‌پذیر نیست.

حاکمیت دموکراسی و نهادینه‌سازی حق دسترسی به اطلاعات به عنوان یک فرهنگ در افغانستان، کار ساده و آسانی نیست. مشکلات وافر و سدهای زیادی پیش‌روی نهادینه‌شدن حق دسترسی به اطلاعات به یک فرهنگ وجود دارد. جامعه‌ی عمل پوشیدن حق دسترسی به اطلاعات به فرهنگ عام در افغانستان، چون گذشتن از هفت‌خوان رستم است. از زمان تشکیل دولتی به‌نام افغانستان در این جغرافیا، حکومت‌داری بسته حاکم بوده است و حکومت‌ها خود را مالک اطلاعات می‌دانستند، نه امانت‌دار اطلاعات و این فرهنگ تاکنون در ادارات دولتی حاکمیت دارد. رسیدن به هدف بلند و والای بدل‌شدن حق دسترسی به اطلاعات به یک فرهنگ (شفافیت، حساب‌دهی و حکومت‌داری باز) مستلزم تلاش همه‌گانی دولت، کمیسیون دسترسی به اطلاعات، رسانه‌ها، جامعه‌ی مدنی، نهادهای آکادمیک، اتحادیه‌های صنفی و شهروندان است.

چالش‌ها و مشکلات زیادی مقابل نهادینه‌شدن حق دسترسی به اطلاعات به یک فرهنگ وجود دارد؛ اما این پنج چالش از عمده‌ترین این چالش‌ها است:

۱. سطح پایین آگاهی از حق و قانون دسترسی به اطلاعات: عدم آگاهی شهروندان از حق و حقوق‌شان در کشورهای جهان سوم یکی از چالش‌های عمده‌ی

دختري که قرار بود همسر فرمانده طالبان باشد، سر از دانشگاه درآورد



آسيه حمزاي

زيبا ۱۷ ساله بود که پيرمردی از رهبران محلی طالبان در بغلان به خواستگاری‌اش آمد. او را نامزد کردند، در حالی که خودش اصلاً خبر نداشت و حتا آن پيرمرد را ندیده بود. به هر اندازه که مخالفت می‌کرد، چندین برابر لتوکوب می‌شد. مامايش زيبا را به خانه‌ی خود برد و ۱۶ روز او را زندانی کرد. او فقط حق داشت وضو بگیرد و حتا اجازه حمام کردن هم نداشت. در آن روزها طالبان در خانه مامای زيبا جمع می‌شدند. ماما با خشونت صورت زيبا را با پارچه‌ای می‌پیچاند و در میان آن‌ها می‌برد. طالبان که از اعضای وابسته به لاجورد (نامزد زيبا) بودند، با پرخاص و تهدید به او می‌گفتند که یا راضی شود و یا این که جنازه‌اش را از خانه بیرون می‌کشند. زيبا اما وقتی صدایش را می‌کشید و می‌گفت که نمی‌خواهد، مامايش در پیش چشم ریش‌سفیدان طالبان او را لت می‌کرد. آن‌ها زيبا را می‌خواستند، اما با زور، با محاصره، با لتوکوب، تهدید و شکنجه. آن‌چنان که شب‌ها حتا در مسجد حوالی خانه آنان می‌ماندند تا نکند پدر و مادر زيبا از آن‌جا فرار کنند.

آدرس به سختی پیدا می‌شود، انتهای کوچهای باریک که آخرش به بن‌بست می‌رسد. در پس دروازه آهنین ساختمان، حویلی بزرگ و زیبایی است و کلکین‌های فراوانی که از پشت آن چهره‌های متمسب اما رنجور خودنمایی می‌کنند. این‌جا را خانه امن یا مرکز حمایتی یاد می‌کنند و شیمای مسوولش است. می‌گوید این‌جا مهمان‌خانه دختران و زنانی است که روی چشمانش جای دارند.

برخی چادر به سر دارند و برخی نه. یکی کتاب می‌خواند و دیگری از پشت کلکین نگاهش را پرتاب کرده به آن دورها و معلوم نیست در ذهنش چه‌ها می‌گذرد. بسیاری از آن‌ها نه تنها حرف نمی‌زنند، حتا از این اتاق به آن اتاق می‌روند تا مبدا سوالي پرسیده شود. از میان آن‌ها زيبا (اسم مستعار) می‌خواهد حرف بزند. می‌گوید نامت چیست؟ به چه نام صدايت بزيم؟ گفتیم آسيه. می‌خندد و پاسخ می‌دهد: «آسيه جان، از ما عکس نگير. فقط می‌خايم گپ بزيم. هر که می‌خواهد، بفهمه ما چه کشيدم

و چه سرنوشتی برم رقم خورد.» پس از آن که اطمینان می‌یابد، راحت می‌شود و سفره غم‌خانه‌اش را می‌گسترد. او روایت می‌کند که پنج سال پیش نخستین روزهای ۱۷ ساله‌گی را سپری می‌کرد و رویاهای رنگارنگی در سر داشت، اما این رویاهای خیلی زود به هم ریخت. چنان فرو ریخت که با گذشت پنج سال هنوز همه چیز برایش غیرعادی است، آن‌گونه‌ای که حتا با مرور آن روزها چشمان زيبا پراشک می‌شود و در پشت کلماتش هنوز ترسی نهفته است که دل و دستان و حتا لبانش را میان ادای کلمات می‌لرزاند.

چند سال از بازگشت زيبا و خانواده‌اش از ایران گذشته و روزهای عادی زنده‌گی در قریه آبابی‌شان در بغلان می‌گذرد. زيبا در خانه یکی از اقوام است که متوجه حرف‌های آرام و درگوشی اعضای فامیل می‌شود. مهمان آمده است. کسی می‌گوید که خواستگار است، زيبا با خودش می‌گوید حتما برای خواهرش خواستگار آمده است، زیرا کسی به او چیزی نگفته بود و وی بارها اتمام حجت کرده بود که به این زودی تصمیم ازدواج ندارد. کاکای زيبا وارد اتاق می‌شود. به او می‌گوید که باید ازدواج کند، زیرا پدر و همهی اقاربش راضی‌اند. زيبا در عین تعجب، مخالفت می‌کند، اما چه سود وقتی کسی صدایش را نمی‌شنود. از همان روز همه چیز رنگ تیره‌ای به خود می‌گیرد. مخالفت همانا و لتوکوب پیایی همانا و ساز و ناسازگار روزگار همانا که هیچ‌وقت به دل زيبا کوک نشد. خواستگار زيبا پيرمردی است به نام «لاجورد» از سران طالبان محلی در بغلان که پنج لک افغانی به خانواده دختر پرداخت کرده تا زيبای ۱۷ ساله را به نکاح خود درآورد. اعضای خانواده زيبا نیز که گرایش‌های افراطی‌گرایانه دارند، همه موافقت می‌کنند. نه از زيبا می‌پرسند و نه نظرش را می‌خواهند. حتا زيبا نمی‌فهمد که کدام روز او را به نامزدی پيرمردی از سران طالبان درآوردند. فقط چند روز بعد کاکایش عکسی از جیب خود بیرون می‌کشد، به او نشان می‌دهد و می‌گوید: «شوهر آینده‌ات است، مبارک باشه. صدايت دگه نشونم که گپ خلاص شده‌ا»

زيبا راضی نمی‌شد که نمی‌شد. چطور می‌خواست زنده‌گی کند؟ اگر ازدواج به معنای تجربه طعم شیرینی از زنده‌گی مشترک است، پس تحمیل ناجوان‌مردانه از سوی خانواده

چه معنایی دارد؟ در خانه نشست است که متوجه صدای مامايش می‌شود. هرچند او را دوست دارد، اما در شرایطی است که حامی ندارد و از بی‌اعتمادی‌ها می‌ترسد. ماما به زيبا می‌گوید: «مه کاری به شوهر کدنت ندارم، بيا بریم خانه مه. مه نمی‌مانم کسی به تو آسیب برسانه.» در آن لحظه جرقه‌ای در دل او می‌زند، کورسوی امیدی که بعدها می‌فهمد دروغ بوده است. آن نور و روشنائی، قریبی بود که می‌خواست زيبا را به مرداب بکشاند.

همین که وارد خانه مامايش می‌شود، درب اتاق به رویش قفل می‌گردد. همه مبابیل و وسایل شخصی از او گرفته می‌شود و آن‌چنان مورد لتوکوب قرار می‌گیرد که هنوز پس از پنج سال استخوان آسیب‌دیده کمرش یاد آن روزهای تلخ را تازه می‌کند. در همین زمان خانه پدر زيبا هم از سوی اعضای وابسته به لاجورد محاصره می‌شود. آن‌ها زيبا را می‌خواهند، اما با زور، با محاصره، با لتوکوب، تهدید و شکنجه، آن‌چنان که شب‌ها حتا در مسجد حوالی خانه می‌مانند تا پدر و مادر زيبا از آن‌جا فرار نکنند.

۱۶ روز گذشت. زيبا در صحن حویلی است که ناگهان دو مرد مسلح با نعره‌های بلند وارد خانه می‌شوند. مامای زيبا بلافاصله او را در اتاقی حبس می‌کند. آن‌ها آمده‌اند تا زيبا را ببرند. صدای‌شان را می‌شنود که می‌گویند: «ماریشخند شما خو نیستیم. ۱۶ روز است مدارا کدیم، چه معنا که زن تصمیم بگیره یا گپ اضافه بزنه. کلان‌ها امر می‌کنن و دگرا موافقه. لاجورد صاحب که گفته زيبا ره بیارین، اگر راضی نشد، جنازه‌اش ره از خانه بکشین.»

خواهرش که در پلخمري درس می‌خواند، یادش می‌آید. نامزدش در ایران کار می‌کند و به زودی خود نیز روانه است. زيبا با این‌که فکر دیگری در سر دارد، می‌گوید: «راضی شدم، اما اول بانين بروم پلخمري خواهرم ره ببینم.» چند روز بحث و تهدیدها بالا می‌گیرد. دو روز مانده به مراسم عروسی که بالاخره لاجورد رضایت می‌دهد، اما با تدابیر سخت. پیغام فرستاده است: «هر فکر منفی که داری را از سر بیرون گو، اگر نی سر بریده پدر و مادرت را برایت روان می‌کنم.»

زيبا تحت تدابیر سخت به پلخمري می‌رود. از آن‌جا که خواهرش پیشاپیش در فرماندهی پولیس بغلان عربضه کرده بود، بلافاصله خود را به آن‌جا می‌رساند. وضعیت زيبا

فاجعه‌بار است. آن‌قدر این قضیه خشونت حاد است که همان روز بدون هیچ حرف و سخنی او را به شیلتر (خانه امن) پلخمري منتقل می‌کنند. تمام بدنش لتوکوب شده و آثار آسیب‌دیده‌گی فراوانی دیده می‌شود. وقتی لاجورد و افرادش می‌فهمند که خواهرش با زيبا همکاری کرده است، دو راه پیش روی او می‌گذارند: نامزدش را رها کند و در بدل خواهرش به نکاح لاجورد دربیاید یا این که برای همیشه از جمع خانواده‌اش بیرون شود و برود پیش زيبا تا لکه ننگ از دامان خانواده‌اش پاک شود. مینا خواهر زيبا، راه دوم را انتخاب می‌کند و پس از مدتی به ایران می‌رود.

زيبا هفت ماه را در خانه امن پلخمري سپری می‌کند. شب و روزها سرشار از کابوس است. تهدیدها پی هم بیش‌تر می‌شود. هم روحش درد می‌کشد و هم جسمش. گاهی به پدر و مادرش زنگ می‌زند، اما آن‌ها یا قطع می‌کنند یا می‌گویند: «دیگر جنازه‌ات را هم نمی‌خواهیم، دختری به نام تو نداریم.»

در موضوع فسخ نامزدی، آن‌ها چون طالب بودند و در هیچ جلسه‌ی رسیده‌گی به قضیه حاضر نمی‌شدند. بعدها زيبا خبر می‌شود که همه خواهران کوچکش را به پيرمردان طالب داده‌اند تا آن‌ها را نکشند. فسخ نامزدی از طریق محکمه اعلان می‌شود. پس از هفت ماه در خانه امن پلخمري و در کمیسیون رسیده‌گی به وضعیت زيبا، راه‌ها به بن‌بست می‌رسد. اعضای خانواده نمی‌خواستند زيبا برگردد. او می‌گوید: «در جلسات کمیسیون تعجب می‌کردم که آن‌ها حامیان زنان خود را معرفی می‌کردند، اما در بیان و لحن و در آن کلمات کسی به من حق نمی‌داد، ملامت می‌کردند و مرا زنی پاک نمی‌پنداشتند.» زيبا به دلیل تهدیدهای مکرر، به خانه امن کابل منتقل می‌شود. او با همان روحیه نابه‌سامان و پریشان، تصمیم می‌گیرد درس بخواند و خود را با شرایط جدید وفق دهد. درسش را آغاز می‌کند و پس از فراغت از صنف دوازدهم، در یکی از دانشگاه‌های کابل در رشته کمپیوتر ساینس قبول می‌شود. او حالا در ۲۲ ساله‌گی در حالی که پنج سال می‌شود خانواده‌اش را ندیده است، روز و شب‌هایش را می‌گذراند. هرچند درس می‌خواند و تلاش می‌کند، اما آینده‌ای که می‌خواست، این نبود. این کنج دنج پر از کابوس‌های شبانه سهمش از زنده‌گی نبود که مدام پریشان باشد و بترسد و هنوز منتظر باشد در ثانی‌های کسی جانش را بگیرد...

این یکی از همان روایت‌های سیاه است در دل شعارهای نارنجی‌رنگ بیست‌وپنجم نوامبر و کمپین ۱۶ روزه منع خشونت علیه زنان...

در آستانه‌ی رسیدن به یک صلح عادلانه و پایدار

◆ رولا (بی‌بی گل) غنی، بانوی اول کشور

ما در آستانه‌ی رسیدن به یک صلح عادلانه و پایدار در افغانستان هستیم، به شرط آن‌که حقوق بشر تامین و صدای هر شهروند افغان محترم شمرده شود.

در سه سال اخیر، به‌ویژه زنان افغان توانستند تا دیدگاه‌های شان را در مورد صلح با صدای رسا تعریف کنند. به گونه‌ی مثال می‌توان از اجماع ملی زنان افغان برای صلح مورخ ۹ حوت ۱۳۹۷ یادآور شد. بعد از هفت ماه مشوره با بیش از ۱۵ هزار زن از ۳۴ ولایت کشور، زنان افغان توانستند تا مقتضیات‌شان را برای پروسه‌ی موقفانه‌ی صلح در یک قطع‌نامه‌ی ۱۵ ماده‌ای ارایه کنند که در ماده‌ی سیزدهم این قطع‌نامه چنین آمده است:

«ما زنان افغان در حالی که از تلاش‌های جامعه‌ی جهانی برای آوردن صلح و ثبات در افغانستان حمایت می‌کنیم، از آنان توقع داریم تا روند صلح را به رهبری حکومت و مالکیت مردم افغانستان صادقانه حمایت کنند و در راستای حفظ ارزش‌های دموکراتیک، مدنی و حقوق بشری به تعهدات خویش پایند باشند.»

این ماده، چهار موضوع ذیل را برای ما بیان می‌کند: اول: نشان‌دهنده‌ی اشتراک فعال زنان از سراسر کشور در بحث‌ها روی پروسه‌ی صلح، یعنی قبل از آغاز مذاکرات صلح در دوحه می‌باشد که این خود یکی از مثال‌های اشتراک و علاقه‌مندگی مردم افغانستان، به خصوص زنان افغان برای تامین صلح پایدار است.

دوم: تنظیم پروسه‌ی صلح به رهبری حکومت افغانستان و به مالکیت مردم افغانستان نشان می‌دهد که مردم افغانستان خود را جزئی از حکومت می‌دانند و رهبری آن‌را تصدیق می‌کنند.

سوم: هم‌چنین نمایان‌گر پابندی ما به حقوق بشر، حقوق مدنی و مردم‌سالاری است که آن‌را به وضاحت بیان می‌کند.

چهارم: خواهان تعهد واقعی شرکای بین‌المللی افغانستان در راستای حراست از حقوق بشر، حقوق مدنی و مردم‌سالاری در افغانستان است.

بعد از سپری شدن ۲ سال، امروز هم این متن انعکاس‌دهنده‌ی نیازهای ما مردم افغانستان برای آوردن یک صلح موقفانه و پایدار در افغانستان است.

چند روز قبل در کنفرانس ژنو، این متن را دوباره برای جهانیان تکرار کردم تا بدانند که این موضوع از ابتدا برای زنان نگران‌کننده بوده است.

اجازه دهید در ابتدا نیازهای اساسی حقوق بشر را مطرح سازم. منظور من از حقوق بشر یعنی حق دسترسی به خدمات تعلیمی، خدمات صحتی، آزادی گشت‌وگذار،



ادامه دادند. هم‌چنان بر اساس گزارش ملل متحد در ماه سرطان سال جاری، طالبان برخلاف وعده‌ی شان به امریکا، روابط شان را با القاعده قطع نکردند، بلکه به این روابط ادامه دادند.

در این‌جا این پرسش مطرح می‌شود که آیا به واقعیت طالبان خواهان صلح هستند؟ آیا توافق‌نامه‌ی آن‌ها با ایالات متحده یک توافق‌نامه‌ی صلح است یا به گفته‌ی ریچارد هاس، رییس شورای روابط خارجی امریکا (Council on Foreign Relation)، «توافق‌نامه‌ی خروج» است که در مقابل خودداری از حمله به عساکر در حال خروج امریکایی، به آن‌ها وعده‌ی یک معامله‌ی محرمانه را می‌دهد؟

صرف نظر از انگیزه‌ی طالبان به صلح، ما مشتاقانه از این فرصت برای آوردن صلح استفاده می‌کنیم. ما صلح می‌خواهیم و ما می‌دانیم چطور به صلح برسیم.

موقف ما واضح است. قسمی که گفتیم، سه سال تمام، بحث و گفت‌وگو کردیم که چه نوع صلح می‌خواهیم. ما به ارزش و مفهوم جمهوریت که در قانون اساسی ما در سال ۱۳۸۳ تصریح شده است، پی بردیم. جمهوریت و قانون اساسی افغانستان، احترام به حقوق بشری شهروندان کشور را تضمین می‌کند، طوری که زن و مرد افغان، به صورت مساویانه، از این حقوق برخوردار خواهند بود.

هم‌چنان جمهوریت و قانون اساسی ما به تنوع قومی افغان‌ها احترام دارد و از هر نوع تنوع زبانی، قومی و مذهبی استقبال می‌کند. افغانستان خانه‌ی همه‌ی افغان‌ها است، بنابراین از طالبان افغان هم استقبال می‌کند تا آن‌ها هم بتوانند آرزوی‌های سیاسی‌شان را از طریق نظام انتخاباتی جامعه‌ی عمل ببوشانند.

ما هنوز هم به تامین صلح پایدار فکر می‌کنیم و برای به دست‌آوردن آن نهایت تلاش خویش را خواهیم کرد. ما امیدوار هستیم تا طالبان بدانند که با وجود اعمال خشونت که تا هنوز هم بالای ما روا می‌دارند، نمی‌توانند ما را بترسانند. امیدوار هستیم طالبان به حرف‌های کسانی که آن‌ها را به تخریب و تهدید تشویق می‌کنند گوش ندهند و آرزو داریم که طالبان بدانند که صلح به نفع همه‌ی ما است. قسمی که خداوند در آیه‌ی ۱۲۸ سوره‌ی النساء می‌فرماید: «وَالصَّلٰحِ خَيْرٌ». ترجمه: در صلح خیر است.

امیدوار هستیم که شرکای بین‌المللی و متحدان افغانستان در کنار ما بایستند تا به صلح پایدار برسیم و حقوق و دست‌آوردهایی که برای به دست‌آوردن آن تلاش‌های خسته‌گی‌ناپذیر انجام داده‌ایم، حفظ شود. خداوند در تلاش‌های ما مردم افغانستان برکت بیندازد.

«زنان ناقص‌العقل و ناقص‌الدین» هستند. بنابراین هیچ دلیلی وجود ندارد که از آن‌ها توقع تغییر را داشته باشیم. ما و شما همه صلح می‌خواهیم و همه‌ی ما می‌دانیم که برای تامین صلح باید یک قیمت پرداخت. اما بعضی از اصول اساسی وجود دارد که ما حاضر به از دست‌دادن آن نیستیم؛ چون این اصول مقتضیات اساسی موقفیت پروسه‌ی صلح است. توافق‌نامه‌ی که در آن حقوق مردم و حضورشان در جامعه تضمین نشود، هیچ‌گاه متضمن تامین صلح عادلانه و پایدار نخواهد شد. برعکس باعث به میان آمدن یک جنگ و فاجعه‌ی دیگر در جامعه خواهد شد.

اثبات این‌که طالبان برای رسیدن به صلح چه کارهایی حاضر اند انجام دهند، دشوار است. در حالی که حکومت مردم افغانستان به هدف رسیدن به صلح از خود هم‌پذیری، حوصله و انعطاف بیش از حد نشان داده‌اند و با حفظ وضعیت دفاعی نیروهای افغان، جلوگیری از حملات نظامی و آزادسازی بیش از ۵۰۰۰ جنگ‌جوی طالب از زندان‌های افغانستان، قدم مثبت را برای آوردن صلح برداشتند.

اما از زمانی که طالبان با ایالات متحده امریکا در دوحه توافق‌نامه‌ی را امضا کردند، به عوض کاهش خشونت علیه مردم افغانستان (برادران و خواهران مسلمان‌شان)، به حملات‌شان شدت بخشیدند و به کشتار مردم بی‌گناه

آزادی بیان، دسترسی به شغل، داشتن تجارت، دسترسی به قضا و عدالت و سایر حقوقی که در قانون اساسی افغانستان تامین شده است، می‌باشد. جانب مقابل ما در مذاکرات صلح (گروه طالبان)، به احترام به حقوق بشر شهرت ندارد. آن‌ها از سال ۱۳۷۵ الی ۱۳۸۰ افغانستان را به شکل مستبدانه اداره کردند. احکام صادر نمودند و این احکام را با ارباب، ترس و مجازات خودسرانه بالای مردم تطبیق کردند. طالبان ادعا می‌کنند که تغییر کرده‌اند و در دوحه به نرمی مباحثه می‌کنند؛ ولی بسیاری از نماینده‌گان آن‌ها این‌جا در کابل با استفاده از آزادی بیان در میزهای مدور تلویزیون‌ها ظاهر می‌شوند و نشان می‌دهند که بحث‌های شان مثل همیشه آمیخته با خشونت است؛ هنوز هم به فکر لتوکوب مردم، قطع کردن دست دزدان و سنگ‌سار کردن زنان هستند.

در مورد نیازهای زنان نیز برای ما اطمینان مبهم داده شد که گویا طالبان برای زنان اجازه‌ی کسب تعلیم را داده‌اند و برای‌شان خدمات صحتی مهیا خواهد شد. اما از جمع ما کسانی که بیست‌وپنج سال قبل در زمان حاکمیت طالبان زنده‌گی کرده‌اند، می‌گویند که طالبان دقیقاً عین بیانی‌هایی را در آن زمان ایراد کردند؛ ولی هیچ‌گاه آن‌را جامعه‌ی عمل نبوشانند. به خصوص نظریات‌شان در مورد زنان هیچ تغییر نکرده است، چون من به گوش‌های خود در یک بحث تلویزیونی شنیدم که یک طالب گفت که

بازسازی معبد بودا!

چهره جدید «استوپه توپ‌دره» به شمار گردش گران افزوده است

شعبه حکیمی



مسوولان محلی ولایت پروان می‌گویند که با مرمت و بازسازی استوپه بوداییان در دامنه توپ‌دره، سیر گردش‌گری در این ولایت افزایش یافته است. به گفته آنان، پس از ترمیم و مرمت این آبنده تاریخی، بسیاری از شهروندان کشور از بخش‌های مختلف به پروان سفر کرده و از بخش‌های این بنای تاریخی دیدن می‌کنند. گردش‌گران داخلی که به دیدن استوپه توپ‌دره می‌آیند، از دولت می‌خواهند که ابدات تاریخی را حفظ کنند. به گفته باشنده‌گان محل، استوپه توپ‌دره به اثر زلزله و جنگ دو بار تخریب شده و این میراث تاریخی باید به گونه مناسب نگهداری شود. مسوولان نیز تصریح می‌کنند که افزون بر حفظ این آبنده تاریخی، سایر بناهای تاریخی را بازسازی می‌کنند.

استوپه توپ‌دره مشهور به «استوپه کنیشکا» نزدیک به دو هزار سال پیش در زمان حکمرانی کنیشکا بزرگ، از دوره کوشانیان، ساخته شده است. این آبنده تاریخی در بین روستاهای «خواجه سیاران» و «سنجدره» در جنوب‌غرب شهر چاریکار موقعیت دارد. استوپه معروف و غول‌پیکر توپ‌دره در پروان پس از بازسازی به ریاست اطلاعات و فرهنگ این ولایت سپرده شده و در حال حاضر ده‌ها نفر روزانه از مکان تاریخی دیدن می‌کنند. اجمل گل‌بهراری، یکی از باشنده‌گان ولایت پروان که برای بازدید از این مکان تاریخی آمده بود، به ۸ صبح گفت که دولت باید برای حفظ ساحات و آبنده‌های تاریخی برنامه‌های منظم داشته باشد تا گردش‌گران خارجی نیز ببینند و از آثار باستانی دیدن کنند.

مولانا نظام‌الدین، از باشنده‌گان محل، که ۷۰ سال عمر دارد و هم‌همی عمرش را در روستایی در نزدیکی این مکان تاریخی سپری کرده، می‌گوید که یک بار بخش‌هایی از استوپه توپ‌دره در اثر زلزله تخریب شد و بار دیگر به پیکر آن در جریان جنگ‌های مجاهدین و طالبان آسیب رسید. او افزود که استوپه از دوره کنیشکای بزرگ، شاه

بودایی، به جا مانده است. به گفته نظام‌الدین، این مکان از لحاظ قدمت «میراث باارزش تاریخی» شمرده می‌شود و باید حفظ شود. او که از توجه دولت و تأمین امنیت این مکان تاریخی خرسند است، افزود که باشنده‌گان محل در سال‌های متمادی مسوولیت‌شان را برای نگهداری از این آبنده تاریخی ادا کرده‌اند.

احمدشاه بازدیدکننده دیگری است که از ولایت کاپیسا به این محل آمده بود. او گفت که ولایت پروان، کاپیسا و پنجشیر آثار و مکان‌های تاریخی خیلی باارزش دارند و دولت باید به ترمیم و بازسازی آن‌ها توجه کند. به گفته وی، احیای ابدات تاریخی سبب می‌شود که نقاط مختلف کشور همانند استوپه توپ‌دره به مکان‌های خوبی برای گردش‌گران داخلی و خارجی بدل شود. در حال حاضر یک قطعه ویژه پولیس از این مکان

تاریخی محافظت می‌کند و جاده آن نیز به تازه‌گی از سوی حکومت محلی ولایت پروان قیروزی شده است. در همین حال محمدرستم رستمزاده، رییس اطلاعات و فرهنگ پروان، به روزنامه ۸ صبح گفت که کار بازسازی این بنای تاریخی در سال ۱۳۹۶ آغاز شد و ۸۰۰ هزار دالر امریکایی هزینه برداشت. وی افزود: «استوپه توپ‌دره در جریان سال‌های متمادی به اثر حوادث طبیعی و جنگ‌ها تخریب شده بود. در سال ۱۳۹۶ کار بازسازی آن در دو فاز ترمیم بدنه و حفريات اطراف آن به کمک مالی سفارت ایالات متحده امریکا و توسط موسسه «چکو» شروع شد که در حال حاضر تکمیل شده است.» آقای رستمزاده تأکید کرد که استوپه توپ‌دره در سطح منطقه «بی‌نظیر» و از لحاظ جهان‌گردی و توریسم از جذابیت ویژه‌ای برخوردار است. به گفته وی،

در این مکان تاریخی نیاز است تا حفريات صورت گیرد و دست‌کم سه الی چهار سال دیگر را در بر خواهد گرفت تا آثارهای موجود در اطراف آن به دست آید.

تلاش برای مرمت آبنده‌های تاریخی ادامه دارد. مقام‌های محلی ولایت پروان می‌گویند که در این ولایت دست‌کم ۴۵ آبنده تاریخی موجود است و تلاش‌های حفظ و بازسازی آنان جریان دارد. وحیده شهکار، سخنگوی والی پروان، به روزنامه ۸ صبح گفت که حکومت این ولایت در ۱۹ سال گذشته توانسته است از این آبنده‌ها محافظت کند، اما پیش از آن برخی از این آثار کشف و قاچاق شده است. خانم شهکار افزود که در حال حاضر سه مکان تاریخی به شمول «برج جبل‌السراج»، «قصر شاهی جبل‌السراج» و «استوپه توپ‌دره» این ولایت بازسازی شده است. او افزود که حکومت محلی ولایت پروان به تازه‌گی پیشنهادش را به وزارت اطلاعات و فرهنگ درباره حفريات در «کافرقلعه» ولسوالی بگرام این ولایت سپرده است که پس از تأیید، کارش آغاز خواهد شد. خانم شهکار افزود که مرمت و بازسازی سایر آبنده‌ها و مکان‌های تاریخی نیاز به بودجه بیش‌تر دارد و به همین دلیل، حکومت محلی این ولایت تاکنون موفق به بازسازی آن‌ها نشده است. سخنگوی والی پروان گفت، چند ساحه تاریخی در ولسوالی‌های چهارگانه غوربند موجود است که حکومت به دلیل مشکلات امنیتی نتوانسته آن‌ها را حفظ و نگهداری کند. در حال حاضر طالبان بیش‌تر در ولسوالی‌های سیاه‌گرد و شینواری ولایت پروان حضور دارند و ظاهراً ساحات تاریخی در کنترل این گروه قرار دارد.

استوپه در زبان سانسکریتی به معنای پُشته است و به محل دفن آثار به جا مانده از بدن بودا گفته می‌شود. استوپه توپ‌دره در پروان حدود ۲۰ متر ارتفاع و ۷۰ متر محیط دارد. براساس بررسی‌های باستان‌شناسان، در این دره استوپه‌های حدود هشت صومعه و ۵۰۰ استوپه (گنبد) وجود داشته است. براساس معلومات شبکه تحلیل‌گران افغان، مرکز باستان‌شناسی فرانسه پیش از این دریافته بود که در جریان یک سده اخیر، هزاران مجسمه از این محل به دست آمده و در موزیم‌های سرباز نگه‌داری می‌شد، اما در جریان جنگ‌ها غارت و نابود شده است. گفتنی است که با گذشت زمان، اسم آن از «استوپه‌دره» به «توپ‌دره» تغییر کرده است.

چرا مجلس برای نامزدوزیران تیم دولت‌ساز رای اعتماد نداد؟



جریان و چگونه‌گی رأی‌دهی

به نامزدوزیران و رییس‌ان وزارت‌خانه‌ها و نهادهای مستقل، تقابل مجلس نماینده‌گان و ارگ ریاست جمهوری را نشان می‌دهد. امرالله صالح چندی قبل نماینده‌گان

مجلس را به فساد متهم کرد که در پیوند به آن عده‌ای از اعضای مجلس نماینده‌گان خواستار استعفای وی شدند. نامزدوزیران تیم دولت‌ساز که قبل از اظهارات امرالله صالح برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی شده بودند، رأی اعتماد گرفتند. ولی بعد از آن مجلس نماینده‌گان به بخشی از نامزدوزیران متعلق به اردوگاه تیم دولت‌ساز و ارگ ریاست جمهوری رأی رد داده است. این در حالی است که نامزدوزیران تیم ثبات و هم‌گرایی - سپیدار، بدون استثنا رأی اعتماد گرفتند. طاهر زهیر، نامزدوزیر وزارت اطلاعات و فرهنگ، رنگینه حمیدی، نامزدوزیر وزارت معارف، مجیب‌الرحمان کریمی، نامزدوزیر وزارت احیا و انکشاف دهات، حسین صافی، نامزدوزیر وزارت امور زنان و اجمل احمدی، نامزد رییس ریاست بانک مرکزی کشور از جمله کسانی بودند که از اردوگاه تیم دولت‌ساز به مجلس نماینده‌گان برای دریافت رأی اعتماد معرفی شده بودند. اما مجلس نماینده‌گان برای این چند تن از نامزدوزیران رأی اعتماد نداد. جریان هم به گونه‌ای نیست که مجلس نماینده‌گان از میان نامزدوزیران شایسته‌ترین‌ها را انتخاب کرده باشد. به هر صورت، بر اساس اصول و مقررات حاکم، نامزدوزیران رده‌ده، دیگر نمی‌توانند رسماً به کار خویش ادامه دهند و باید رییس جمهوری برای وزارت‌های یادشده افراد دیگری را برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس نماینده‌گان معرفی کند. در میان افراد پیشنهادی تیم دولت‌ساز، معرفی اجمل احمدی به حیث سرپرست بانک مرکزی و رنگینه حمیدی به حیث نامزدوزیر وزارت معارف کشور با واکنش‌های تند مردم روبه‌رو شد. مردم از همان اول هویت اجمل احمدی را زیر سوال بردند. چون اجمل

و همانند اجمل احمدی بر هیچ یک از زبان‌های ملی تسلط کامل ندارد. در ضمن کادر علمی مملکت نیست و رهبری کردن وزارت معارف، از توان او بالا است. ارتقای او از مدیریت یک مکتب خصوصی به رهبری یک وزارت بنیادی و مهم، برای مردم پرسش‌برانگیز بود. تا جایی که انتخاب‌شدن او به رهبری وزارت معارف مایه‌ی طنز عموم مردم شد.

اغلب وزارت‌خانه‌ها و نهادهای مستقل در طول عمر حکومت وحدت ملی با سرپرست‌ها اداره می‌شد. یکبار مجلس نماینده‌گان چند تن از وزیران حکومت وحدت ملی را به دلیل مصرف‌نکردن بودجه‌ی سال مالی، رأی رد داد؛ اما وزیران عزل‌شده تا پایان حکومت وحدت ملی به سرپرستی و وظیفه‌ی خویش ادامه دادند. در حال حاضر نیز با آن‌که چند ماه از توافق و شکل‌گیری حکومت جدید می‌گذرد؛ اما تا هنوز کابینه تکمیل نشده است و معلوم نیست تا چه مدت زمانی، وزیرانی که رأی رد گرفته‌اند به سرپرستی خویش ادامه می‌دهند.

کرد. او در پیوند به این قضیه به اعتراض نماینده‌گان مردم در مجلس هیچ اعتنایی نکرد. در قضیه‌ی ترور یما سیاووش هم نماینده‌گان مجلس به او اعتراض کردند که با تیم تحقیق مجلس نماینده‌گان هم‌کاری نمی‌کند. به باور رحمت‌الله نبیل، شبی که فردای آن مجلس نماینده‌گان برای اجمل احمدی صندوق رأی می‌گذاشت، در خانه‌ی یکی از اعضای هیأت اداری مجلس، برای تعدادی از نماینده‌گان پول توزیع شد؛ اما با وصف سعی و تلاش و توزیع پول، اجمل احمدی نتوانست رأی مورد نیاز (۱۲۳ رأی) برای کرسی بانک مرکزی را به دست آورد. در نهایت مجلس نماینده‌گان کشور به یکه‌تازی و بی‌اعتنایی این مقام بلندپایه‌ی حکومت پایان داد.

رنگینه حمیدی، نامزدوزیر وزارت معارف به جای میرویس بلخی به این سمت گماشته شد. از نظر مردم، خانم رنگینه حمیدی شایسته‌گی رهبری وزارت معارف را نداشت و ندارد. او قبل از آن‌که به این سمت گماشته شود، مدیر یکی از مکتب‌های خصوصی بود

احمدی با هیچ یک از زبان‌های ملی آشنایی کامل ندارد. چند سخنرانی که از او مطبوعاتی شده است، نشان می‌دهد که او فارسی را بسیار شکسته و اشتباه تلفظ می‌کند. به نظر می‌رسد آقای احمدی زبان پشتو را هیچ نمی‌داند. به همین دلیل مردم اصالت افغانستانی بودن او را زیر سوال بردند و می‌گویند که اجمل احمدی لبنانی و از خانواده‌ی رولا غنی، بانوی نخست کشور است. واقعیت این است که اجمل احمدی پله‌های موفقیتش را در افغانستان نیموده و در روزهای دشوار نیز همدم مردم افغانستان نبوده است. او متعلق به جبهه‌ای است که رییس جمهور محمد اشرف غنی برای در کنترل داشتن افغانستان، از بیرون کشور خواسته است. احمدی مقام سرکش جمهوریت هم است. او بی‌اعتنا به نظر مردم و مجلس نماینده‌گان، سلیقه و خواست خود را در امور کاری‌اش اعمال می‌کرد. تا جایی که علی‌رغم مخالفت‌های فراوان مجلس نماینده‌گان تعداد زیادی از کارمندان بانک مرکزی را مطابق میل و سلیقه‌ی خودش به صورت غیرقانونی و خودسرانه از کار بی‌کار

جوابیه به مقاله‌ی «جمهوریت ما چگونه است؟»

یادداشت: روزنامه‌ی ۸ صبح در ۱۰ قوس ۱۳۹۹ مقاله‌ای را تحت عنوان «جمهوریت ما چگونه است؟» نشر کرد. این مقاله با ملاحظاتی از سوی ارگ ریاست جمهوری روبه‌رو شده است. سید احسان طاهری، رییس مطبوعات ریاست جمهوری در نقد این مقاله که از سوی رامش نوری تهیه شده بود، مطلب زیر را فرستاده است که اینک بدون کم و کاست به نشر سپرده‌ایم.

سید احسان طاهری، رییس مطبوعات ریاست جمهوری

برای هر محقق و نویسنده قبل از نقد و نفي هر متن قانون علمی، فهم آن ضروری است. یک نقل قول به ارسطو، فیلسوف یونانی منتسب است که می‌گوید: «برای رد فلسفه، فهم فلسفه ضروری است.»

با این مقدمه می‌خواهم نظر خود را در مورد مقاله‌ی تحت عنوان «جمهوریت ما چگونه است؟» که به تاریخ ۱۰ قوس ۹۹ به قلم آقای رامش نوری، استاد دانشگاه - در روزنامه وزین ۸ صبح نشر شده است، با خواننده‌گان شریک سازم.

در مقاله‌ی آقای نوری، قانون اساسی و نظام جمهوری در افغانستان رد و نفي شده است. نفس نقد و حتا نفي از نظر فکری و علمی پدیده‌ی مبارکی است، که محصول دو دهه تلاشی است که مردم افغانستان در چارچوب قانون اساسی افغانستان، در سایه‌ی درفش سهرنگ جمهوری به دست آورده‌اند.

نویسنده در ابتدای مقاله نوشته است: «در زمان داوود خان که وی خود را بانی جمهوری می‌دانست، جمهوری ما استبداد منش و دیکتاتوری بود. پس از آن، در زمان حزب دموکراتیک خلق، جمهوری ما ایدئولوژیک و در زمان پساطالبان، جمهوری ما صوری بوده است.» این تعریفی است که از سه جمهوری آرایه می‌کند. بعداً بر خلاف این تعریف اظهار می‌دارد که جمهوری پساطالبان «جمهوریت استبداد و خودکامه‌گی بیش نبوده است.»

واقعیت این است که اصطلاحاتی چون دیکتاتوری و استبداد را در مورد جمهوری اسلامی افغانستان نمی‌توانیم اطلاق کنیم؛ زیرا اگر ما به تعاریف دیکتاتوری و استبداد مراجعه کنیم، هیچ یک از مصادیق دیکتاتوری در نظام جمهوری اسلامی افغانستان دیده نمی‌شود. جمهوری اسلامی افغانستان برخاسته از آرای مردم افغانستان است.

آقای نوری، سه دوره‌ی تاریخی را بدون کدام ارتباط منطقی با هم‌دیگر ربط داده است. بدون کدام دال منطقی استبدادی را که در جمهوری داوود خان معرفی کرده است، به جمهوری اسلامی افغانستان نسبت داده است.

این مقایسه و قیاس از نوع مع‌الفارق است. اول، به لحاظ زمانی ما نمی‌توانیم خصوصیات و ویژه‌گی‌های جمهوری داوود خان و جمهوری داکتر نجیب‌الله را به امروز وصل و پینه کنیم. دوم، به لحاظ شرایط سیاسی، اجتماعی و تغییر نسلی، ما نمی‌توانیم از مقایسه‌ی این‌ها یک نتیجه بگیریم. سوم، به لحاظ استدلال منطقی، ما نمی‌توانیم ادعا کنیم که جمهوری داوود خان دیکتاتوری بود، جمهوری داکتر نجیب ایدئولوژیک بود، پس نتیجه می‌گیریم که جمهوری اسلامی افغانستان نیز دیکتاتوری و استبدادی است. این صغری و کبری منطبق باطل است. ما اگر فقط، منطق صنف دوازدهم را خوب خوانده باشیم، این گونه استدلال نمی‌کنیم.

چهارم این‌که ما نمی‌توانیم جمهوری اسلامی افغانستان به رهبری داکتر غنی را به جرم گذشته محکوم کنیم. در ماده‌ی ۲۶ قانون اساسی افغانستان آمده است: «جرم یک عمل شخصی است.» اما استاد نوری، جمهوری را به جرم یک نظام و دوره‌ی تاریخی گذشته محکوم می‌کند. همه‌چیز را استبداد، خودکامه‌گی و دیکتاتوری تعریف می‌کند در حالی که این گونه نیست. تمام مسوولان دولتی در سه قوا (اجراییه، مقننه و قضاییه) و به صورت مشخص رییس جمهور غنی در تمام صحبت‌های شان همواره از تصمیم مردم، رأی مردم و خواست شهروندان یادآوری و بر اساس خواست مردم عمل می‌کنند.

وقتی محک و معیار عمل همه‌ی مسوولان دولت افغانستان رأی و اراده‌ی شهروندان افغانستان است، دیگر استعمال دیکتاتوری و استبدادی محلی از اعراب ندارد. ما نمی‌توانیم فرض‌های ذهنی خود را بر واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی تحمیل کنیم.

آقای نوری در مورد تفکیک قوا در جمهوری نوشته است: «در حالی که در افغانستان تا حالا چیزی به گونه‌ی واقعی به معنای تفکیک و موازنه‌ی قوا در جمهوری‌های سه‌گانه وجود ندارد.» در این مورد باید گفت که تقسیم قوای سه‌گانه در افغانستان از جمله‌ی واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی است که قابل انکار نیست.

قوه‌ی اجراییه، در تمام بخش‌ها (ملکی و نظامی) به صورت مستقل در مرکز و ولایت عمل می‌کند. قوه‌ی قضاییه، دارای ساختار مشخص به صورت مستقل در مرکز و ولایات مطابق به احکام قانون تشکیل شده است و اجراءت دارد.

قوه‌ی مقننه، با استقلال کامل به وظایف قانون‌گذاری اش می‌پردازد و هر کدام از وکلای پارلمان چه به لحاظ فردی و چه به لحاظ تقسیم قوا از استقلال کامل برخوردار هستند، تصامیم‌شان را طبق فهم و برداشت‌شان اتخاذ می‌کنند.

پیش‌فرض ذهنی عدم تفکیک قوا در افغانستان را از درون کتاب روح‌القوانین منتسکیو بر اساس استدلال منطقی نمی‌توانیم اثبات کنیم؛ اما بر اساس تحمیل پیش‌فرض‌ها می‌توانیم مفاهیم را با هم‌دیگر ربط دهیم.

در بخشی از مقاله، این سوال مطرح است: «آیا جمهوری ما چنین است؟»

آقای نوری، در این قسمت قانون اساسی افغانستان را زیر سوال برده و با تکیه بر ماده‌ی ۶۴ که در مورد صلاحیت‌های رییس جمهور است، نوع حکومت استبدادی و دیکتاتوری را خواسته است، اثبات کند.

ایشان در این قسمت، با بی‌توجهی برخورد نموده، فقره‌ی ۲۱ ماده‌ی ۶۴ را به صورت ناقص مطرح کرده است. این گونه برخورد به معنای نقد نیست؛ بلکه به معنای به بازی و تمسخرگرفتن قانون اساسی است. ما اجازه داریم همه‌چیز را نقد کنیم و قبل از نقد باید با آن معرفت حاصل کنیم. اما هیچ متن را، مخصوصاً متون قوانین را نباید قلب، قصر و تفسیر به رأی کنیم. من در پروسه‌ی تسوید، تدقیق و تصویب قانون اساسی کشور بودم و به عنوان یک شهروند با مسایل آشنایی دارم، بنابراین بهتر است اساتید گرامی با قانون اساسی کشور مسوولانه برخورد کنند.

مثلاً در این مقاله نوشته است که صلاحیت رییس جمهور «اجرای قانون اساسی» است. در حالی که در فقره‌ی ۱ ماده‌ی ۶۴ متن قانون اساسی این گونه آمده است: «مراقبت از اجرای قانون اساسی». از نظر معنایی تفاوت بسیار مهم بین «اجرای قانون اساسی» و «مراقبت از اجرای قانون اساسی» است.

در ادامه نوشته است: «حفظ استقلال، تمامیت ارضی و منافع ملی»، در صورتی که در فقره‌ی ۵ ماده‌ی ۶۴ قانون اساسی این گونه آمده است: «اتخاذ تصمیم لازم در حالت دفاع از تمامیت ارضی و حفظ استقلال». در متن قانون اساسی اصطلاح «منافع ملی» هیچ درج نیست. اما این‌که آقای نوری، چگونه اضافه کرده است، همان داستان (خر موسی و خر عیسی است). فقره‌ی ۵ ماده‌ی ۶۴ اشاره به شرایط خاص دارد، بدون شک در چنین شرایطی ضروری است که رییس جمهور به عنوان زعیم مملکت باید تصمیم اتخاذ کند.

قابل تذکر است که در فقره‌ی ۲ ماده‌ی ۷۵ در مورد وظایف حکومت چنین آمده است: «حفظ استقلال،

دفاع از تمامیت ارضی، صیانت منافع و حیثیت افغانستان در جامعه‌ی بین‌المللی». نویسنده‌ی مقاله وظیفه‌ی حکومت را با صلاحیت رییس جمهور خلط کرده که یک مغالطه‌ی عمدی است.

از سوی دیگر در تمام ۲۱ فقره، از صلاحیت‌های رییس جمهور، نقش شورای ملی برجسته است. در بعضی موارد اصطلاح «مطابق به احکام قانون» درج است.

این گونه تحلیل از قانون اساسی، به معنای قلب و قصر عمدی است. از نظر اخلاقی و قانونی شایسته نیست که ما متون را و آن هم متون قانونی را تحریف کنیم و به شکل اشتباه و تحریف‌شده در خورد افکار عامه بدهیم.

آقای نوری، جمهوری را با استناد به روح‌القوانین و دوره‌های تاریخی رد و نفي کرده است؛ البته خوبی‌های این جمهوری این است که تحمل این گونه نقدها و تحریف‌های را دارد و آن‌را به آغوش باز می‌پذیرد.

در قسمت دیگر مقاله نوشته شده است: «بر اساس قانون اساسی فعلی افغانستان، رییس جمهور کم از امیر امارت اسلامی نیست و سلطان تمام عیار است.» برای آقای نوری و دیگر خواننده‌گان پیشنهاد می‌شود که برای روشن‌شدن موضوع و تفکیک بین جمهوری و امارت به ماده‌های ۶۵، ۶۶ و ۶۷ که برای رییس جمهور محدودیت تعیین کرده است و به ماده‌های ۹۰ و ۹۱ قانون اساسی که در مورد صلاحیت‌های ولسی‌جرگه است، مراجعه کنند.

آقای نوری، در بخش نتیجه‌گیری اشاره کرده است: «... امنیت هم وجود ندارد و تنها کار ما دست‌گیری چند دزد بی‌واسطه است.» در این مورد باید گفت که دزد، دزد است. دزدی یک عمل قبیح و زشت است. دزد از هر قماش‌ی که باشد، باید دست‌گیر شود، چه باواسطه چه بی‌واسطه. ما باید خود را به لحاظ فکری به این مرحله برسانیم که اگر کارهای نیکو را تمجید نکردیم، توبیخ هم نکنیم.

برای روشن‌شدن ذهن آقای نوری، باید یادآور شد که به خاطر دست‌گیری این دزد‌های بی‌واسطه هزاران تن از سربازان و افسران نیروهای امنیتی آرامش روز و شب‌شان را قربانی می‌کنند. با خریدن و پذیرفتن

هزاران خطر به جان‌شان، کوچه به کوچه به دنبال این ره‌زنان اند، تا آرامش «من» و «آقای نوری» و مردم تأمین شود، تا ما قانون اساسی و جمهوری را نقد کنیم.

اما استاد نوری، با بی‌مهری تمام این تلاش‌های سربازان و افسران نیروهای امنیتی را نادیده گرفته است و با دیده‌ی تحقیر نگاه می‌کند. توصیه‌ی من به ایشان این است که یکی از دعا‌های همیشه‌گی ما باید این باشد: «خدایا برای ما کمی انصاف عطا بفرما!».

در قسمت آخر مقاله این عبارت درج است: «جمهوریت را به معنای فریب، در خور مردم ندهید.» خواهش من، به عنوان یک شهروند که چند صباحی در چوکی دانشگاه نشسته‌ام، چپتر و کتاب بغل کرده‌ام، نیز این است:

جناب استاد! با تمام احترامی که به شما دارم، خواهش می‌کنم شما نیز قانون اساسی را تحریف نکنید و یک تحلیل ناقص از قانون اساسی تحویل خواننده‌گان و شاگردان تان ندهید. زیرا اعتبار علمی و تحقیقی تان را ضرب صفر می‌کند. شاگردان تان به ضعف و سهل‌انگاری تحقیقی تان خواهند خندید. با خواندن این مقاله‌ی تان خواننده‌گان و شاگردان تان به این نتیجه خواهند رسید که استاد نوری، «قانون اساسی، روح‌القوانین، منطقی و دوره‌های تاریخی» را دقیق مطالعه نکرده است.

در اخیر باید گفت که این نوشته به معنای کینه‌توزی نیست؛ بلکه به معنای راه‌اندازی گفت‌وگو و نقد منصفانه‌ی هم‌دیگر است. این نوشته به معنای ایجاد محدودیت به آزادی بیان نیست؛ بلکه عملی‌سازی آزادی بیان و درچه‌های است برای گفتمان آکادمیک و سازنده. آزادی بیان در قالب جمهوری معنا پیدا می‌کند و امارت دشمن آزادی بیان است. جمهوری می‌پذیرد که مشکلات و نواقص وجود دارد و همواره در پی حل این مشکلات است.

جناب استاد! هرچند قانون اساسی افغانستان و جمهوری را قلب کردید؛ اما قلب جمهوری بسیار کلان است، همه را می‌تواند با مهر بپذیرد، چون قلب جمهوری قلب یک فرد نیست؛ بلکه قلب یک ملت بزرگ است.



دکترهنی اوپولگولو و مالداري وزارت زراعت، آبیاری و مالداري

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت دولت جمهوري اسلامي افغانستان



Islamic Republic of Afghanistan Ministry of Agriculture, Irrigation and Livestock

معینت مالی و اداری ریاست تهیه و تدارکات آمریت عمومی اجناس و خدمات غیر مشورتی

«اطلاعیه تصمیم اعطای قرار داد»

بدینوسیله به تاسی از ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده میشود که وزارت زراعت، آبیاری و مالداري در نظر دارد تا پروژه تدارک وانتقال ۵ قلم وسایل واجناس مجادلوی برای مبارزه علیه آفات وامراض نباتی مورد ضرورت ریاست حفاظه نباتات وقرنطین تحت داوطلبی باز داخلی با کود نمبر MAIL/PD/NCB/G168/99/Rebid را به شرکت برداران قربانخیل مولانا یعقوب چرخي لمتد دارای جواز نمبر (۰۱۰۱-۲۲۲۷) به قیمت مجموعی مبلغ ۵,۵۸۳,۵۸۶ (شش) میلیون پنج صدو هشتادو شش هزارو پنج صدو هشتاد و سه اعشاریه پنج افغانی) اعطا نماید.

اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، میتوانند اعتراض خویش را از تاریخ نشراین اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توام با دلایل آن به ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري واقع کارته سخی، جمال مینه، وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارایه نمایند.

این اطلاعیه به معنی عقد قرار داد نبوده والی تکمیل معیاد فوق الذکر وطی مراحل قانونی بعدی، قرار داد منعقد نخواهد شد.

دبیر بخش ویدیو: محمدنصیر کاوشگر
خبرنگاران: عبدالاحمد حسینی، محمدحسین نیک‌خواه، خلیل رسولی، هما همتا، الیاس طاهری، زهرا عطایی، احمدشاه شاداب، حفیظ علی خیل، توفان عمری، شعیب حکیمی، پرویز کامروز

ویراستاران: علی نظری، اسحق علی احساس
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۷۸۷۸۷۹۹ Shaparsepehr@gmail.com
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
نشانی دفتر کابل: تایمینی، کابل، افغانستان
۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸ صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.



صاحب امتیاز: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com
مدیرمسول: مجیب مهرداد mujib_mehrdad@yahoo.com
سر‌دبیر: خلیل اسیر 8am.daily@gmail.com
دبیر گزارش‌ها: حسیب بهش
دبیر بخش خبر: علی شاه حقمیل
دبیر بخش صلح: آسیه حمزه‌ای
دبیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

Publisher: Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com

Editor-in-Chief: Mujib Mehrdad mujib_mehrdad@yahoo.com

Facebook.com/8am.af
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

نسخه پیشرفته پکسک ازی پی (AZIPAY)

عزیزی بانک
Azizi Bank

عزیزی بانک برنامه پیشرفته میابلی (AZI PAY) خود را معرفی کرده است که تمام ویژگی‌های پیشرفته جدید مانند ورود با بیومتریک، شناخت چهره، سهولت چندین زبان (پشتو، دری و انگلیسی) استفاده از دالر امریکایی، دیدن صورت حساب و صورت حساب کوتاه، برداشت پول از ماشین خودپرداز صرافتی، ارسال پول به شماره میابلی و اخذ آن از ماشین‌های اتومات صرافتی، اضافه کردن کزیدت به میابلی، پرداخت بل را دارا میباشند.

لطفا نسخه جدید ازی پی را از اپستور و پلی ستور دونلود (بارگیری) نمایید. برای معلومات بیشتر به شماره 24 ساعته 1515 به تماس شوید.

www.azizibank.af 1515



ترکیه استفاده از واکسین ضد کرونای ساخت چین را آغاز می کند

وزیر صحت ترکیه از برنامه این وزارتخانه برای آغاز استفاده از واکسین آزمایشی کووید-۱۹ ساخت چین در اواخر ماه جاری میلادی خبر داد.

به گزارش رادیو زمانه، فخرالدین کوچا، وزیر صحت ترکیه، با انتشار بیانیه‌ای برنامه شروع استفاده از «کروناواک» واکسین کرونای ساخت شرکت چینی «سینوواک بیوتک» در این کشور را اعلام کرد و گفت پس از تأیید این واکسین از سوی آزمایشگاه‌های ترکیه مجوز اولیه آن داده خواهد شد.

نخستین محموله این واکسین پس از ۲۱ قوس به ترکیه وارد خواهد شد.

«کروناواک» اولین واکسینی است که در رقابت‌های بین‌المللی برای ساختن واکسین کووید-۱۹ به عرضه رسید. شرکت چینی «سینوواک بیوتک» در ماه سپتامبر اعلام کرده بود که واکسین تولیدی‌اش تا اوایل سال ۲۰۲۱ برای توزیع در سطح جهانی آماده خواهد شد.

محققان در ماه نوامبر (عقرب) گفته بودند که اثربخشی واکسین «کروناواک» در بدن افراد سالم متوسط است و میزان پادتنی که این واکسین در بدن تولید می‌کند، کم‌تر از مقداری است که در بدن افراد بهبودیافته از کووید-۱۹ وجود دارد.

وزیر صحت ترکیه گفته است: «اگر تحولات طبق انتظارات ما مثبت ادامه یابد، ترکیه در میان نخستین کشورهای جهان خواهد بود که در این مرحله اولیه واکسیناسیون کرونا را آغاز خواهد کرد.»

به گزارش رادیو زمانه، فخرالدین کوچا روز سه‌شنبه گفته بود که در مدت سه ماه آینده دسامبر، جنوری و فبروری، ۵۰ میلیون دوز واکسین خریداری شده از شرکت چینی وارد ترکیه خواهد شد. در ماه دسامبر نیز یک میلیون دوز واکسین تولیدی مشترک شرکت‌های آلمانی و امریکایی بیون‌تک و فایزر قرار است وارد ترکیه شود و مذاکرات برای خرید ۲۵ میلیون دوز دیگر از این واکسین با شرکت آلمانی بیون‌تک در جریان است. در مجموع قرار است در سال آینده میلادی ۷۵ میلیون دوز واکسین چینی و آلمانی وارد ترکیه شود.

رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، روز دوشنبه گفت واکسین چینی رایگان تجویز خواهد شد. به گفته وزیر صحت ترکیه، سایر واکسین‌های کووید-۱۹ در داروخانه‌ها فروخته می‌شوند.

براساس آخرین آمار رسمی که روز چهارشنبه در ترکیه منتشر شد، این کشور با ثبت ۱۹۳ مورد مرگ بر اثر کووید-۱۹ در مدت یک شبانه‌روز، رکورد مرگومیر در ۱۰ روز گذشته را شکست. شمار کل جان‌باخته‌گان در این کشور به ۱۴ هزار و ۱۲۹ نفر رسیده است. تعداد روزانه مبتلایان نیز با ۳۱ هزار و ۹۲۳ نفر به بالاترین رکورد رسید.

شمار جدید مبتلایان به ویروس کووید-۱۹ در یک روز، ترکیه را در ردیف آسیب‌پذیرترین کشورها در جهان قرار داده است.

بنگله‌دیش انتقال پناهجویان مسلمان روهمیگیایی را به جزیره‌ای دورافتاده آغاز کرد

در کنترل اکثریت بودایی است. این کشور که در گذشته برما نام داشت، مدعی است که اقداماتش برای مبارزه با خطر افراطی‌ها بوده است.

سازمان ملل متحد در قطع‌نامه‌ای نقض حقوق مسلمانان روهمیگیایی و سایر اقلیت‌ها در میانمار را محکوم کرده است. در این قطع‌نامه هم‌چنین از میانمار خواسته شده تا از نفرت‌پراکنی علیه مسلمانان روهمیگیایی و سایر اقلیت‌ها دست بکشد.

مسلمانان روهمیگیایی چه کسانی‌اند؟

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، مسلمانان روهمیگیایی دهه‌ها است که در میانمار زنده‌گی می‌کنند، اما دولت مرکزی هیچ‌گاه به آن‌ها حق شهروندی اعطا نکرده است.

براساس قوانینی که در زمان حکومت نظامیان در میانمار تدوین شد، مسلمانان روهمیگیایی از جمله اقوام میانمار محسوب نمی‌شوند و از بسیاری خدمات دولتی و حقوق شهروندی محروم‌اند. سازمان ملل این اقلیت را «بزرگ‌ترین جمعیت بدون کشور» در جهان توصیف کرده است.

بوداییان تندرو در میانمار با ادعای این‌که مسلمانان روهمیگیایی از خارج به این کشور مهاجرت کرده و از ساکنان قدیم این سرزمین نیستند، همواره خواستار اخراج و بازگرداندن آن‌ها به «کشورشان» بوده‌اند.

بنگله‌دیش انتقال صدها پناهجوی روهمیگیایی به جزیره‌ای دورافتاده در خلیج بنگال را آغاز کرده است، در حالی که نهادهای حقوق بشر از امنیت این پناهجویان مسلمان و انتقال آن‌ها خلاف میل‌شان، اظهار نگرانی کرده‌اند.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، نیروی دریایی بنگله‌دیش یک هزار و ۶۰۰ پناهجو را با هفت قایق از بندر چیتاگونگ به جزیره باشان‌چار در خلیج بنگال می‌برد. این‌ها اولین گروه از صدهزار پناهجوی روهمیگیایی هستند که دولت بنگله‌دیش قصد جابه‌جا کردن‌شان را دارد.

مقام‌های بنگله‌دیش می‌گویند که امکانات در جزیره باشان‌چار بسیار بهتر از اردوگاه‌های پرجمعیت در منطقه بازار کاکس است. آن‌ها هم‌چنین گفته‌اند تنها پناهجویانی را که مایل باشند، به آن جزیره می‌برند و در آن‌جا به آن‌ها سرپناه و وسایل زنده‌گی می‌دهند تا زنده‌گی تازه‌ای را آغاز کنند.

سازمان‌های امداد رسان می‌گویند که این جزیره در معرض طوفان‌های شدید و سیل است. طبق گزارش بی‌بی‌سی، برخی از خانواده‌های پناهجو هم گفته‌اند که آن‌ها را به زور به آن جزیره می‌برند. دولت این ادعا را تکذیب می‌کند.

ارتش میانمار در سال ۲۰۱۷ هزاران تن از اقلیت روهمیگیایی را کشت و باعث فرار بیش از ۷۰۰ هزار نفر به بنگله‌دیش شد. میانمار



رئیس استخبارات امریکا: چین بزرگ‌ترین تهدید برای دموکراسی و آزادی در جهان است

یا مصالحه با قانون‌گذاران امریکایی استفاده می‌کردند. جان راتکلیف تصریح کرد: «اطلاعات ما نشان می‌دهد که بیجینگ به طور منظم این نوع عملیات نفوذ را در ایالات متحده امریکا انجام می‌دهد.» وی افزود: «رهبران چین به دنبال این هستند که حقوق فردی را به اراده حزب کمونیست گره بزنند.»

هم‌زمان با انتشار این سخنان، وزارت خارجه امریکا اعلام کرد که اعضای حزب کمونیست چین با ارزش‌های امریکا خصمانه برخورد می‌کنند و فعالیت‌های شرورانه انجام می‌دهند و به این منظور محدودیت‌هایی را علیه آن‌ها اجرایی کرده است. طبق قوانین جدید که بلافاصله لازم‌الاجرا می‌شوند، ویزاهایی که برای اعضای حزب کمونیست چین و خانواده‌های‌شان صادر می‌شود، فقط برای یک ماه پس از صدور و تنها برای یک بار ورود معتبر خواهند بود. پیش از این برخی از ویزاها اجازه ورود نامحدود را به این افراد می‌دادند و می‌توانستند تا ۱۰ سال اعتبار داشته باشند.

بزرگ‌ترین تهدید برای امریکای امروز و بزرگ‌ترین تهدید برای دموکراسی و آزادی در جهان از زمان جنگ جهانی دوم است.»

رئیس سازمان اطلاعات ملی ایالات متحده امریکا گفته است: «واضح است که بیجینگ قصد دارد از نظر اقتصادی، نظامی و فنی بر ایالات متحده امریکا و سایر نقاط کره زمین تسلط یابد.»

سرقت، تکثیر و جای‌گزینی

جان راتکلیف رویکرد جاسوسی اقتصادی چین را بر سه محور معرفی کرد: «سرقت، تکثیر و جای‌گزینی.» او با تأکید گفت این استراتژی بدین‌گونه است که ابتدا مالکیت معنوی شرکت‌های امریکایی سرقت می‌شوند و سپس از آن کپی‌برداری می‌کنند و بعد جای‌گزین شرکت‌های امریکایی در بازار جهانی می‌شوند. راتکلیف هم‌چنین عملیاتی را تشریح کرد که در آن نماینده‌گان چین از فشار اقتصادی برای تأثیرگذاری



وزیر خارجه آلمان: به شکلی از توافق فراتر از برجام نیاز داریم

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، هایکو ماس، وزیر خارجه آلمان، می‌گوید به توافقی فرای توافق هسته‌ای با ایران نیاز است که برنامه موشک‌های بالستیک ایران را هم در بر بگیرد.

پیش از این جو بایدن، رئیس‌جمهور منتخب امریکا، که می‌خواهد به برجام بازگردد، برنامه موشکی ایران را به عنوان یکی از مسایل موجود توصیف کرده و گفته است که برای حل اختلافات با ایران می‌خواهد خلاف دونالد ترامپ با متحدان اروپایی همکاری کند.

طبق گزارش بی‌بی‌سی فارسی، دولت ایران می‌گوید که حاضر به مذاکره مجدد درباره توافق هسته‌ای نیست و امریکا و اروپا باید تعهدات‌شان در این توافق را اجرایی کنند. در ایران دولت هم‌چنین تحت فشار محافظه‌کارانی است که با قانونی برای رفع تحریم‌ها ضرب‌الاجل گذاشته‌اند.

وزیر خارجه آلمان در مصاحبه‌ای با هفته‌نامه اشپیگل گفته است: «شکلی از توافق علاوه بر برجام لازم است که با منافع ما هم هم‌خوانی دارد.» هایکو ماس گفته است: «ما انتظارات روشنی از ایران داریم: سلاح هسته‌ای نداشته باشد و همین‌طور برنامه موشک بالستیکی نداشته باشد که کل منطقه را تهدید کند. ایران باید نقش دیگری در منطقه ایفا کند.»

آقای ماس، که کشورش ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را برعهده دارد، گفت دلیل نیاز به توافق با ایران «عدم اعتماد» به حکومت این کشور است.

آلمان در کنار بریتانیا و فرانسه یکی از سه کشور اروپایی عضو برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) است.

ایران با این توافق محدودیت‌هایی را بر برنامه هسته‌ای خود پذیرفت تا در مقابل تحریم‌های یک‌جانبه و بین‌المللی رفع شود، اما با قدرت گرفتن دونالد ترامپ و خروج امریکا از توافق، عملاً منافع این توافق برای ایران متوقف شد.



جان راتکلیف، رئیس سازمان اطلاعات ملی ایالات متحده امریکا، چین را «بزرگ‌ترین تهدید برای دموکراسی و آزادی در جهان از زمان جنگ جهانی دوم» توصیف کرده است.

به گزارش یورونیوز، این مقام امریکایی در مقاله‌ای که وال استریت ژورنال آن را منتشر کرده، سرقت اسرار تجاری و فناوری‌های دفاعی امریکا به دست چین را محکوم کرده است. او گفته است: «جمهوری خلق چین